

## تشکیلات مناسب برای مبارزه علیه بیکاری کدام است؟

بزرگترین، موثرترین و بهترین تنها سلاح طبقه کارگر در مبارزه علیه سرمایه‌داری کدام است؟

تشکیلات طبقاتی کارگران! تشکیلات کارگری!

طبقه سرمایه‌دار به پشتوانه مالکیتش بر ابزار تولید و کمک سازمان‌های نظامی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خود در جیب‌های مختلف به نبرد با کارگران بر می‌خیزد. در مقابل کارگران در مبارزه خود طبقه بورژوازی سلاحی بجز اتحاد و تشکل طبقاتی خود ندارند و با آگاهی و اتحاد خود و از طریق سازمان‌های طبقاتی خود به جنگ بورژوازی می‌روند. اما از این کشتکیلات تنها سلاح طبقه کارگر در مبارزه علیه سرمایه - داری است نمیتوان نتیجه گرفت که هرگونه تشکلی و در هر شرایط و موقعیتی برای این طبقه مفید و مناسب است. در هر شرایط معین و مشخص بر اساس ارزیابی از شرایط سیاسی - اجتماعی - اقتصادی، ارزیابی از توان مبارزاتی کارگران، در نظر گرفتن وضعیت جنبش کارگری و توازن نیروها، باید در پی ایجاد آنچنان تشکیلاتی بود که بتواند به بهترین شکل مبارزه کارگران علیه بورژوازی را متشکل کرده و به نتیجه برساند.

با این مقدمه برای اینکه ببینیم هم اکنون مناسبترین تشکیلات برای مبارزه کارگران علیه بیکاری کدام است، لازم است ارزیابی هر چند مختصری از شرایط کنونی بعمل آوریم.

۱- بیکاری یک عارضه طبیعی، دائم و همیشگی جامعه سرمایه‌داری است. در تمام جوامع سرمایه‌داری و در هر زمانی که اینگونه جوامع را در نظر بگیریم، بیکاری وجود داشته و دارد. بنا بر این بیکاری مشخصه شیوه تولید سرمایه‌داری است و همچنان نیز تنها با نابودی سرمایه‌داری امکان پذیر است. اما بیکاری‌ای که هم اکنون در ایران وجود دارد از نوع بیکاری طبیعی و معمولی موجود در یک جامعه سرمایه‌داری نیست. این بیکاری معلول بحران است که از حدود سه سال پیش سرمایه‌داری تحت سلطه ایران را فرا

۱۳ ←

## سرمقاله

# "علیه بیکاری" از شما چه می‌خواهد؟

در سرمقاله شماره اول گفتیم که "علیه بیکاری" چه می‌گوید و در شماره دوم دیدیم که "علیه بیکاری" برای رسیدن به اهداف خود از چه طرقی وارد عمل خواهد شد. اکنون این سؤال برای طرفداران "علیه بیکاری" و موافقان کمیته ایجاد اتحاد کارگری علیه بیکاری مطرح می‌شود که برای دستیابی به اتحاد کارگری علیه بیکاری و در رابطه با "علیه بیکاری" چه وظائف برعهده آنان خواهد بود. ما بر این نکته واقفیم که بدون جلب حمایت نیروهای موافق و بدون سازماندهی عمل آگاهانه مشترک برای مادی کردن نقشه نظرات "علیه بیکاری" و تحقیق اهداف آن "علیه بیکاری" هیچ موفقیتی دست نخواهد یافت و در بهترین

۲ ←

## در صفحات دیگر:

- درباره شعار "ایجاد کاربرد و سرمایه‌مهریالیستی"
- در رساله‌ای از جمع کارگران بیکار در مقابل "مجلس شورا"
- مبارزه لیبرانه کارگران "پوشش" همچنان ادامه دارد
- گزارشی از ادامه مبارزه کارگران "بیبا"
- نگاهی به نشریه "بیکاران" ارگان سراسری کانونها و شوراهای بیکاران کشور - قسمت دوم: رد نظرات "بیکاران" درباره "وابستگی"
- کارگران مبارز سیمان ری می‌رزمنند
- مبارزه کارگران دلاور تراکتورسازی تبریز

## پیش بسوی اتحاد کارگری علیه بیکاری!



دنباله سرمقاله از صفحه ۱

حالت بدست تشریفاتی که احتمالاً صرفاً " حرفهای خوب و دلجیبی میزند باقی خواهد ماند \*"

با توجه به این ضرورت ماسخی خواهیم کرد که در هر مقطع دقیقاً و تاجائی که مقدور است وظائف نیروهای که آماده همکاری با ما هستند را تعیین کنیم و امکانات را فراهم نمائیم که این نیروها از طریق نزدیکی هرچه بیشتر با کمیته ایجاد همدر زمینه تصمیم گیری وهم در زمینه همکاریهای عملی، به عرصه های وسیعتری دست یابند \*

در حال حاضر ما وظائف معینی را از طرفداران " علیه بیکاری " انتظار داریم \* این وظائف بدو قسمت کلی قابل تقسیم انقسمد :

- ۱- کمک و تقویت مستقیم " علیه بیکاری "
- ۲- حرکت در جهت پیشبرد اهدافی که کمیته ایجاد و " علیه بیکاری " اعلام کرده اند \*

\* \* \* \* \*

۱- کمک و تقویت مستقیم " علیه بیکاری " : اگر شما وظائف را که کمیته ایجاد " بانجام آنها کمربستگ است بپذیرید، نظریه اینکه نشریه " علیه بیکاری " نیز انجام همان وظائف را در دستور ارد هر نوع فعالیت عملی شما در جهت کمک به نشریه " علیه بیکاری " دقیقاً " میتواند کمک کننده تشکیل " اتحاد کارگری علیه بیکاری " محسوب نشود \*

الف - بخش " علیه بیکاری "

شاید بتوان گفت که در زمان حاضر میرترین کار در رابطه با " علیه بیکاری " بخش منظم و سازمان یافته آن باشد \* شما باید بخش " علیه بیکاری " را در حیطه فعالیت خود سازماندهی کنید \* توزیع " علیه بیکاری " باید در دو سطح مد نظر باشد \*

۱- توزیع دست بدست، منظم و سازمان یافته در بین کارگران و زحمتکشان و وجود آوردن شبکه های که این نشریه را حتی در بدترین شرایط، بدست کارگران و زحمتکشان در محل کار یا زانت آن آنها برساند \* این شبکه ها در حال حاضر در بسیاری از کارخانه ها و محلات وجود دارند که نشریات گروهها یا نشریات کارگری و یا محل دست بدست ورد و بدل میشوند \* فعال کردن این شبکه ها حول " علیه بیکاری " و یا جنبش زبایدت و بوقت آنها برای توزیع دست بدست " علیه بیکاری " اهمیت بسیاری دارد \*

شک نیست که حتی اگر شما سر تشکیل دهنده این شبکه های ارتباطی، عناصر و مکررات باشید و خود را قیم کارگران و مساعی نسوری مطالبی که باید بدست کارگران برسد، ندانند و طالب آگاهی همه جانبه آنها باشند، از توزیع هر نشریه ای که بتواند به ارتقاء آگاهی کارگران یاری رساند و راه حل های معینی برای حل مسائل مهم آنها ارائه دهد، استقبال خواهد کنند \* لذا اگر در حیطه کار شما چنین شبکه هایی وجود دارد، باز کردن راه جریان یافتن " علیه بیکاری " در این شبکه ها یکی از وظائف مهم شماست \* توزیع دست بدست

نشریه علاوه بر محسنات پیشا رو خود، این امکان را بوجود می آورد که برخوردارهای کارگران نسبت به موضوعات مطروحه در نشریه را حتی منعکس شود و دیدی است که ما به این برخوردارها نیاززبان داریم \*

۲- توزیع و فروش همگانی " علیه بیکاری "

فروش نشریه در قهر و محله ها، در اجتماعات کارگری، در تظاهرات ها و محله های تجمع بیکاران در محلات کارگری در جلو سرویس های کارخانه و ... طریقه پرخطر بودن کار لازمی است که میتواند مضمون فعالیت بسیاری از طرفداران " علیه بیکاری " باشد \* جلب رضایت و حمایت دستفروشان، دکمه داران، کتابفروشان و ... میتواند بانجام این امر کمک بسیار رسانند \*

ارتباطات رفیقانه خود را با فعالینی که در شهرستانها و دهات اطراف می شناسید، برای رد و بدل کردن و توزیع هر چه وسیعتر " علیه بیکاری " منظم و فعال کنید \*

ب- بازتکثیر " علیه بیکاری "

امکانات ما برای تکثیر " علیه بیکاری " محدود است و استقبال کارگران و زحمتکشان از " علیه بیکاری " بهر حال بیش از سطح انتظار ما بوده است \* این کارها " محتمل است که با هر شماره نیاز به تیراژ بیشتری باشد \* تشکیل هسته های تکثیر " علیه بیکاری " به رفع این نقیصه کمک بسیار میکند \* این تکثیر میتواند بصورت کامل از روی نشریه صورت بگیرد و یا اینکه بخشی از آن یا قائلای از آن تکثیر گردد \* جلب حمایت هسته های تکثیری که در رابطه با جمع ها، محافل، گروهها و ... کار میکنند برای کمک به " علیه بیکاری " میتواند بسیار موثر باشد \*

ج - کمک به هر چه غشی تر کردن " علیه بیکاری "

" علیه بیکاری " برای پیشبرد نقطه نظرات خود و تدقیق آنها نیاز به همکاری وسیع شما دارد \* شما میتوانید برای تهیه مطالب زیر فعالیت وسیعی را آغاز کنید و به نشریه " علیه بیکاری " مدد رسانید \*

۱- تهیه خبر

اخبار دقیق و موثق کارخانه ها در باره اخراج، اعتصاب تظاهراتها و غیره، ارتباط تنگاتنگی با نحوه تبلیغ و ترویج نشریه ما دارد \* اخبار تظاهراتها، تحصنها و اعتراضات زحمتکشان در گوشه و کنار شهر به مسائلی همچون گرانی، مسکن، فقر و ... با کمک موثری برای اثبات ادعاها میسر میکند \* در این زمینه میتواند تمام ارتباطات خود را با دوستان و کارخانه و محله و در شهرستانهای مختلف برای رساندن اخبار، فعال و سازماندهی کنید و اخبار را در اسرع وقت به علیه بیکاری برسانید \* به دوستان بیکار خود بگوئید : حالا که از " کار " نان و آبدار خبر نیست لاف بکاری وی بیاورند که طایفه خوشی دارد یعنی تیم های خبرنگاری تشکیل دهند و برای علیه بیکاری خبر تهیه کنند !



# درباره شعار ایجاد کار بدون سرمایه امپریالیستی

در طول مبارزات کارگران بیکار شعارهای گوناگونی که نشان دهنده خواستهها و اهداف این مبارزه بوده است از بسلاسی سخنرانها، گرد همانیها، تظاهراتها، خواستههای تنظیم شده و ... سر بر میآورد. یکی از این شعارها که به وسیله برخی از پیشروان جنبش کارگری بخصوص در مبارزات کارگران بیکار تبلیغ میشود، "ایجاد کار بدون سرمایه امپریالیستی" است.

ما برای اثبات عدم حقانیت این شعار بعنوان یک شعار صحیح در مقابل جنبش کارگری کوشش میکنیم مضمون واقعی آنرا روشن سازیم.

"شعار" میتواند خطاب به کارگران یا دولت باشد، بیانیست بیبنیم که در رهبریک از این موارد "شعار" از مخاطب خود چه میخواهد؟

اگر مخاطب کارگران باشند "شعار" میتواند اهدافی داشته باشد:

اول - اینکه خواهان ایجاد کار باشد، یعنی بخواهد با بیکاری مبارزه کند. ثانياً - خواهان مبارزه ضد امپریالیستی نیز باشد. یعنی کار را در شرایط مشخصی بخواهد کند و آن به تار و مار امپریالیسم بپردازد.

اولاً - اگر "شعار" بخواهد با بیکاری مبارزه کند، بر سر راه اشتغال کارگران مانعی مینماید که مثلاً بیکاری را تشدید میکند. "شعار" بیگوید: کارگران بیکار، اگر کارخانه پارس الکتریک که سرمایه - اش "امپریالیستی" است یا پتروشیمی ایران و ژاپن که صاف و پوست کنده، سرمایه انحصاری را برایشان خود دارد بیا... میخواهند کارگزاران خود را بکشند، ما باید از کار برای این سرمایه - ها امتناع کنیم، نباید در این کارخانهها استخدام شویم، زیرا ما کارگران و سرمایه امپریالیستی "میخواهیم کار برای این سرمایهها یعنی حرکت کردن برخلاف این "شعار"، والیته در ادامه منطقی اش نیز میتواند می باید از کارگران بنزخوار لیلاند موتورز، جنرال الکتریک و صد ها کارخانه و مجتمع تولیدی و خدماتی دیگر بخواند که تارهایشان را رها کنند، زیرا کسبه سرمایههایشان "امپریالیستی" است.

از همینجا در نمای آنچه که "شعار" در مبارزه علمیکاری انجام خواهد داد کاملاً روشن میشود. "شعار" این خطاب خود را نه تسبیحی در راه ایجاد امکاناتی برای اشتغال کارگران بیکار برنخواهد داشت بلکه عملاً "سیل کارگران شاغل کارخانجات را هم بدلیل "امپریالیستی" بودن این سرمایه - ها به خیابانها سرازیر خواهد کرد. بنابراین به صراحت می - میتوان گفت که این شعار "شعار" کارگران در مبارزه علمیکاری نیست و نمیتواند باشد.

ثانياً - "شعار" نمیتواند انتظار داشته باشد که با خطاب خود به کارگران حد اقل مبارزاتی ضد امپریالیستی را پیش ببرد. اما

آیا امتناع از کار کردن برای "سرمایه های امپریالیستی" مبارزاتی ضد امپریالیستی است؟

اگر اینطور باشد که شعار "بیزاد" ما میباید که چنین است، پس با این حساب اکثریت عظیمی از کارگران ایران نه برای "اینگونه سرمایهها" کار میکنند نه تنها ضد امپریالیست نیستند بلکه بسا ادا مسه کارشان عملاً خد متکرار امپریالیستند. کارگران تراز - کشور سازی تبریز، فاسترویلر اهواز، لیلاند، جنرال موتورز، جنرال الکتریک و ... همگی به امپریالیسم خد مت میکنند والیته بنا به استدلال "شعار" برای مبارزه ضد امپریالیستی باید که تماماً به خدمت سرمایه های کوچک و غیر انحصاری در آید چون علی القاعده منظور "شعار" از "سرمایه امپریالیستی" می بایست سرمایه های باشد که یا سرمایه های آن "خارجی" و "امپریالیستی" بوده و یا سرمایه های ایرانی آن در شراکت با سرمایه های اران و شرکت های امپریالیستی باشد. میتوان نتیجه گرفت که کارگران می بایست به خدمت برای سرمایه های کوچک و غیر انحصاری در آید که تنها متعلق به سرمایه های اران "ایرانیست" باشد. یعنی کار کردن برای پتروشیمی ایران و ژاپن خدمت به امپریالیسم است در حالیکه کار کردن برای کارخانه های سوهان پزی قم مبارزه قاطعانه بر علیه آنست. نمیتوان برای لیلاند موتورز کار کرد، ولی میتوان خواهان گسترش کارخانهها می در شمال باقی بزند بود و نیروی کار خود را به حاجیبهای صاحب این کارخانهها فروخت و انتظار داشت که با کار کردن برای این سرمایه های "غیر امپریالیستی" امپریالیسم را دافن میکنیم.

بنا بر رهنمود "شعار" کار در کارخانه سیترون ناد رست و خدمت به امپریالیسم است، ولی کار در مقاطع کاری های ساندختانی آسفالت جاده های کردستان، ساختن پاسسگاه و استحکامات در این سرزمین برای کمک به رژیم در سرکوب خلق کرد، گام های قوی در راه مبارزه با امپریالیسم! بنا بر منطبق "شعار" میتوان به استخدام "دولت غیر وابسته" و آرم - تش، سپاه پاسداران و ... که مضمناً سرمایه های پیش "امپریالیستی" نیست در آمد، در کارخانه های مسلسل سازی - مسمات سازی و ... مشغول بکار شد، پایگاه زمینی، در - یایی و هوایی چاه بهار را به انعام رساند، زند انبهای محکومتر مد رنتر و بزرگتری ساخت و ... بدین ترتیب اگر چه غیر مستقیم اما عملاً در خدمت سرکوب برادران کارگران در خیابانها و کارخانجات، دهقانان در مزارع و روستاها و صنعتکاران بسمرمزم مان در محله ها و شهرهای مختلف قرار گرفت و بنا این "کار بدون سرمایه امپریالیستی" جانانترین ضربات را بر بیکار امپریالیسم زد، اما کار در فاسترویلر اهواز با "سرمایه امپریالیستی" را خدمت به امپریالیسم دانست.

نماید تمامی آنچه را که اینجا نعرته آوردیم مدعیان و مبلین شعاری و قعایدان نیاند سید ه باشند و هیچگاه نیل نیاند باشند. ولی در هر صورت اینها شعاری از رهنمود های علی است که میتوان از مشورتن "شعار" استنتاج کرد.

ما میگوئیم "شعار" مفهوم مبارزه ضد امپریالیستی را نمینماید.



دنباله درباره شعار ۰۰۰ از صفحه ۳

به خیال خود فکر میکند که با نپی سرمایه‌امپریالیستی و امتناع از کار کردن برای آب مبارزه‌ای ضد امپریالیستی را به پیش میرود و کار برای آنچه که "بدون سرمایه‌امپریالیستی" باشد قدمهای استوار در راه ناپودی امپریالیسم است. در حالیکه بنظر ما کارگران میتوانند در کارخانه‌های با به اصلاح "امپریالیستی" ترین سرمایه‌ها کار کنند و در عین حال آنها به سنگری بر علیه امپریالیسم تبدیل نمایند و خونین‌ترین و سرسختانه‌ترین مبارزات بر علیه امپریالیسم را در این کارخانه و عند بنا کارخانه دیگر سازمان دهند.

مبارزه ضد امپریالیستی، ریاضت کشیدن از تکنیک و صنعت سرمایه‌داری عصر امپریالیسم و سوق دادن کارگران به سمت یک مبارزه ناآگاهانه و موهومی یا "سرمایه‌های امپریالیستی" نیست، بلکه به خدمت در آوردن تمامی امکانات برای تدارک یک مبارزه مستمر، پرورد رو، آگاهانه و سیاسی است که هدف آن در رخنه اول سرنگونی و ناپودی سلطه سیاسی امپریالیسم است.

مبارزه برای "ایجاد کار بدون سرمایه امپریالیستی" نه شعار مبارزه ضد امپریالیستی کارگران ایران است و نه می‌تواند در خدمت آن در آید. مبارزه ضد امپریالیستی کارگران ایران، مبارزاتی است در راه ناپودی نظام سرمایه‌داری که در رخنه اول مستلزم ناپودی سلطه سیاسی امپریالیسم است. مبارزاتی که تنها پروتاریای آگاه به رهبری حزب سیاسی‌اش (حزب کمونیست) می‌تواند آنها را به پیش برد و هر مبارزه اقتصادی و سیاسی کارگران نیز تا آنجا مبارزاتی ضد امپریالیستی خواهد بود که در خدمت این هدف قرار گیرد. در صورتیکه "شعار" بر خلاف این دست زد ن به کار برای "سرمایه‌های امپریالیستی" را مبارزه ضد امپریالیستی کارگران و یا در خدمت آن جلوه میدهد.

"شعار" در خطاب خود به کارگران برای مبارزه بر علیه امپریالیسم، یقیناً باید شعار کارگران جهان نیز باشد. آنوقت این شعار مثلاً از کارگران آمریکا چه انتظاری میتواند داشته باشد؟

برای مدعیان "شعار" هم مسلم است که انحصارات در کشور های امپریالیستی بخش عمده و اعظم سرمایه‌ها را تحت کنترل خود دارند، و اکثریت قریب به اتفاق سرمایه‌ها در این کشورها سرمایه‌ای انحصاری و امپریالیستی است.

پس در اینجا تکلیف مبارزه ضد امپریالیستی کارگران آمریکا از نقطه نظر مدعیان این شعار چه خواهد شد؟ "ایجاد کار بدون سرمایه امپریالیستی"؟! یا بحیثیت دیگرها کردن کارشان؟! باید پرسید آنجا دیگر کارگران به خدمت چه سرمایه‌هایی در می‌آیند؟ شاید جواب این باشد که کارگران در آمریکا هم "سرمایه‌های غیر امپریالیستی" مانند سوهان پزی های قم خودمان گیرشان می‌آید، که میتوانند برای آن کسار کنند؟! اما میدانیم که برای کارگران آمریکا این نمیتواند چیزی بیشتر از یک شوخی باشد. بنا بر این "شعار" به کارگران آمریکا تنها نسخه به خاتمه روانه نمیشود زیرا میتواند تجویز کند. امسا واقعیتهایی که حتی مدعیان و مبلغین شعار نیز نمیتوانند انکار

کنند اینست که، کارگران آمریکا نه برای ناپودی "سرمایه امپریالیستی" بلکه در راه ناپودی سرمایه از هر قشر و قماش می‌جنگند پس با این حساب، این شعار نه تنها شعار مبارزاتی کارگران ایران در مقابل امپریالیسم نیست بلکه نمیتواند در بین کارگران جهان در مبارزه بین‌المللی نشان علیه سرمایه، سرمایه‌داری و امپریالیسم نیز ارتضایی برقرار کند و تنها تازی که میتواند بکند اینست که با کبی خود در صفوف کارگران جهان در مبارزه بر علیه امپریالیسم شگاف اندازد. زبان آخر، آیا از شعار و از "امپریالیستی" بودن برخی سرمایه‌ها چیزی جز مرز و مصلحت تراشیدن برای سرمایه میتوان استنباط کرد؟ در این صورت آیا "شعار" میخواهد سرمایه‌های بخصوصی را با مرزبندی با "سرمایه امپریالیستی" از گزند مبارزه در امان بدارد؟ آیا میخواهد "سرمایه داخلی" یا "ملی" را از "سرمایه امپریالیستی" جدا سازد؟ اگر اینطور باشد "شعار" درک تنگ نظرانه و ناسیونالیستی خود و دفاعی را از سرمایه و سرمایه‌داران کوچک و متوسط که از دست انحصارات به تنگ آمد نماند را آشکار ساخته است مدعیان شعار باید بدانند که کارگران ایران تنها دشمن "سرمایه امپریالیستی" نیستند، بلکه دشمن امپریالیسم، دشمن سرمایه‌داری و دشمن سرمایه بحیثون یک رابطه اجتماعی هستند و مبارزه برای ناپودی قطعی امپریالیسم نیز بدون مبارزه در راه ناپودی سرمایه‌داری و سرمایه‌بظهور اعم و این نیز بدون مبارزه برای برانداختن سلطه سیاسی امپریالیسم و سرنگون کردن نمایندگانشان یعنی بورژوازی از قدرت سیاسی امکان پذیر نیست!

بنا بر این آشکار است که این شعار جنبش‌کارگری در مبارزه ضد امپریالیستی هم نیست. بلکه اگر کسی خوشبختانه باشیم بیانشگر اغتشاش‌گری و به تبع آن انحرافات عیسق‌هد. میان "شعار" است.

حال بپردازیم به اینکه اگر مخاطب "شعار" دولت باشد آنوقت مضمون واقعی آنچه که "شعار" میخواهد چیست؟ "شعار" کاری ندارد که دولت کیست، آنچه که میخواهد این است که دولت "بدون سرمایه‌ها" امپریالیستی "کار ایجاد کند".

ما میگوییم: تنها دولت‌کارگری است که میتواند با درهم شکستن مناسبات سرمایه‌داری و حرکت در این جهت استقرار وحشیانه امپریالیستی را از بین ببرد و قدرت ایجاد کسار بدون سرمایه را دارد و به جز آن هر دولتی کار را در مناسبات سرمایه‌داری و برای پاسخ به نیازهای سرمایه ایجاد خواهد کرد. دولت‌کنونی دولت سرمایه‌داری است یعنی دولتی است که میخواهد مناسبات سرمایه‌داری را از تند باد انقلاب و ضربات وارد بر آن حفظ کند و بنا بر این ناگزیر میبایست استثمار و حقیانه امپریالیستی کارگران و زحمتکشان را از نو سازمان دهد. تلاش برای استقرار مناسبات سرمایه‌داری، یعنی تلاش برای استقرار استثمار امپریالیستی در ایران، یعنی تلاش برای حفظ سلطه امپریالیسم. و این همان



# در سرهایبی از تجمع کارگران بیکار و مقابل مجلس شورا

در شماره دوم نشریه "علیه بیکاری" گزارشی داشتیم از گرد همایی و راهپیمایی کارگران بیکار در جلوی مجلس شورای اسلامی. چون این گزارش در آخرین روزهای که نشریه برای چاپ و انتشار آماده میشد، بدست ما رسیده بود. متأسفانه سفته نتوانستیم برخوردی تحلیلی و انتقادی با آن داشته باشیم صرفاً به چاپ گزارش آن اکتفا نمودیم. اکنون بنا به پیشنهاد و تقاضای بعضی از کارکنان نحوه برخوردی حاصل شده بود و مورد توجه بسیاری از خوانندگان نشریه نیز قرار گرفت، میکوشیم تا در رساله‌های این گرد همایی را به همیاری راهبردی بحث و بررسی قرار دهیم. باشد که در رهتوایین در سرآموزنها، راه مبارزات آینده خود را روشن و زمینه‌های افشا و طرد شعارها، مواضع و عملکردهای انحرافی و ضد کارگری رافرا هم نمائیم.

x x x x x x

پس از جمع شدن کارگران در جلوی مجلس، "نماینده‌های" با ارائه گزارش فعالیتهای و مبارزات قبلی کارگران، صحبت را شروع میکند و در ضمن صحبت خود کوشش میکند تا با ارائه اسناد و مدارک ثابت کند که "ایشان که را اینجا جمع شده اند واقعاً کارگرند". بدین ترتیب او در همین اولین گام نشان میدهد که چطو هدف و شیوه‌های را برای بشمرساندن مبارزه کارگران دنبال میکند. "نماینده" محترم میخواهد ثابت کند که آنها کارگرند! گویا که نمایندگان مجلس اینرا نمیدانند و گویا کسیه آنها خبرند از آنکه بیکاری چه بعد وسیعی در جامعه دارد و چگونه دامنه آن میلیونها نفر را فراگرفته است و گویا که حتی اگر فرض محاذ آنها از چنین امری مطلع نباشند و "نماینده" محترم مسا بتواند آنها را "آگاه" کند، در آنصورت مسائل هنگی خوب بخوشی حل خواهد شد. نمایندگان مجلس شورای اسلامی در بی حل مساله بیکاری خواهند بود و صد البته که توانائی حل این مساله را هم نداشته و به حل این مساله یعنی مساله "بیکاری" موفق نم خواهند شد!

نه آقای عزیز! مساله بهیچوجه چنین نیست که شما قصد دارید و نمود کنید. "نماینده‌گان مجلس" خیلی خوب و بسیار بیشتر از وسایر بهتر از آنچه حتی شما فکر کنید ابعاد مساله بیکاری در جامعه را میدانند و حتی بیشتر از آن بسیاری از این باصطلاح نمایندگان، برخلاف شما حتی ضرورت وجود چنین بیکاری و - سیسی ای را در یک جامعه بحران زده برای پائین آمدن سطح معیشت کل طبقه کارگر، برای پائین آوردن دستمزده کارگران برای سرکوب مبارزات کارگری و کارگران مبارز و... و در یک کلام

برای بالا بردن سود سرمایه، درک میکنند. مثل اینکه شما فراموش کرد باید که یکی از همین "نماینده‌گان ملت" و رئیس سازمان برنامه بود چه، و عضو شورای انقلاب "یعنی آقای عزت المسحابی" چند وقت پیش گفتند که "حل مساله بیکاری نه در توان ما است و نه به مصلحت ما". بله آقایان، این‌ها نه در توان بورژوازی است که مساله بیکاری را حل کند و نه به مصلحت او. آنها نه میخواهند و نه میتوانند که چنین کاری را بکنند! تازه! اگر از اینها بگذریم و فرض کنیم که مساله بهیچ شکل باشد که شما - آگاهانه یا ناآگاهانه - در مورد آن عوام فریبی من کنید، یعنی اشکال قضیه در "ناآگاهی" و "بی‌اطلاعی" نمایندگان مجلس باشد، از شما می‌پرسیم آیا راه آگاه کردن نمایندگان همانست که شما در پیش گرفته‌اید؟ آیا راه آگاه کردن نمایندگان، قسم و آیه خوردن برای آنان، در لیل و سوت و مد رک آوردن برایشان، مظلوم نمایی در رزده شان و... است؟ تصور میکنیم که حتی اگر به همین تجربه بی‌مثال و نیه خودتان توجه کنید - در صورتی که آگاهانه به عامل بورژوازی تبدیل نشده باشید و در صدد خیانت به کارگران نباشید - بخوبی بتوانید پاسخ به این سؤالات را بفرماید. حتی تجربه شما هم نشان میدهد که از بورژوازی نمیتوان چیزی را کدائی کرد. حتی همین تجربه محند خود شما - و نه هزارها و میلیونها تجربه‌ها - هم نمونه دیگری در همین دوره پس از قیام - نیز بخوبی نشان میدهد که اگر قرار باشد چیزی را از بورژوازی بگیریم و اگر قرار باشد بورژوازی آنرا بدهد تنها با تکیه نیروی میلیونی کارگران است که میتوان آنرا از بورژوازی گرفت و آنرا بشمارها و تحمیل کرد. جو - اب شعارها همچنین کارگری که میگفت، "باید برویم و بیاض هزار کارگری را بر گردیم" نیز داده است.

"فطینده" منور پس از آنکه فعالیتهایشان در طی بیست ماه گذشته و طی خصوصاً ماه اخیر و اینکه چگونه وزارت کار به کاربایی و از آنجا به جلوی کارخانجات و... پاسکساری شد مانند اضافه میکند: "ما که این دولت نقابهای و مجلس اسلا می را قبول داریم، به اینجای آمدیم تا مشکلات نمایان را به نمایندگان خود بگوئیم. برای راستی که آقای "نماینده"، "انقلابی" بودن دولت و "نماینده" مردم بودن، نمایندگان مجلس شور - ای اسلامی را از خود قیاس میگیرند. واقعاً اگر قرار باشد که کسانی همچون گزیده سخنان فوق "نماینده" لابد "انقلاب" بی کارتران باشند در این صورت بهتر است که دولت کنونی را انقلابی و آنان را که در کاخ سنای سابق جلوس کرد مانند "نماینده" مردم دانست! فقط در این صورت میتوان حق را به جانب نماینده "مذکور داد و آنهم اینکه وقتی از نمایندگان مجلس بعنوان "نماینده‌گان ما" نام میبرد منظور از "ما" خودشان و همسنگهایشان باشد و نه کارگران و مردم! آخرین بار که اینها

# هرک برسرمایه داری هرک بر او پیرا لبسم



دنباله در رسوائی از ۰۰۰۰ صفحه ۵

واستدلال ویاکدامتعریف از "انقلابی" "نمایند" "مرب  
 دم" و "۰۰۰ میتوان این دولت را " دولت انقلابی " خطاب  
 کرد و "۰۰۰؟ مگر نه اینکه خود این آقای نماینده شرح "امسا  
 " پاسکاری " از " وزارت کار " به " اداره کار یابی " ۰۰۰۰  
 را میدهد؟ مگر نه اینکه همین دولت و همین کسانی که اکنون  
 در مجلس نشستند دستور بخون کشیدن تظاهرات کارگران  
 بیکار را تصویب کرده و در روز "اندیشک" که ما نشاء رادادماند؟  
 مگر نه اینکه همینها عامل و مسبب اصلی اخراج کارگران مبارز زحمت  
 کش از کارخانجات هستند؟ مگر نه اینکه همینها مدافعین دولت  
 تشه ماده ۳۳ قانون کار هستند و مگر نه اینکه وزیر همین دولت  
 ( نعمت زاده ) معتقد است که "ماده ۳۳ همعاش چیزی  
 بدی نیست"؟ و "۰۰۰؟ این آقایان بجای اینکه گامی در  
 جهت آگاه کردن و زدودن توهمات کارگران بردارند، عالما "ز  
 عاذا" بر توهمات کارگران دامن میزنند. آثار نمتبها از  
 سطح عقب ماندترین و ناآگاهترین کارگران حرکت میکنند بلکه  
 با عوامل فریبی میزنند تا آنان را همچنان ناآگاه، نگاه دارند.  
 پراستی ایشان چه پاسخی دارند بآن کارگری بد هند که در همین  
 تظاهرات میگوید: " معلوم میشود که اینها نفعیاند که مردم  
 و نفعیاندگان مانیتند، چون حتی حاضر میگویند که حرفهای  
 مانیتند!"

اما کارگران بوسیله "نمایند" مذکور به اینجا  
 خاتمه پیدا نمیکنند و مدته آن برچگونگی مبارزه با امپریالیسم نیز  
 کشید و میخورد و میخورد و میخورد که کارگرخواهیم امپریالیسم را  
 شکست دهیم و چنین چنان کنیم " باید تولید را افزایش داد  
 و البته که برای آقای نماینده مطرح نیست که تولید را در حفظ  
 تولید چگسی را تولید را برفع چه کسی میخورد افزایش دهد  
 آقای نماینده را با این کار نمیست یا صحبت میکنیم ترجیح  
 میدهد فراموش کند که افزایش تولید در نظام سرمایه اری یعنی  
 افزایش فشار بر کارگران یعنی پیولترکردن جیب سرمایه اری  
 یعنی قویتر شدن دولت سرمایه اری سرکوب بیشتر مبارزات  
 کارگران و "۰۰۰ ماد مقالات دیگر " علیه بیکاری " مساله و  
 بستگی مبارزه با امپریالیسم، افزایش تولید و "۰۰۰ راه سو رد  
 بحث قرار داده و خواهیم داد و برای آگاهی از نظر ما و دلایلی  
 که برای انحرافی و ضد کارگری بودن رهنمود های "نمایند"  
 مذکور، داریم خوانندگان خود را بآن مقالات رجوع میدهم اما  
 در اینجا تنها یک سوال از آقای "نمایند" داریم و آن اینکه  
 اگر رهنمود شما هم برای مبارزه با امپریالیسم و شکست آن  
 افزایش تولید است بنا بر این ممکن است بماندند که شما چه  
 فرقی با آقای بنی صد روسا سردمداران رژیم دارید؟ البته  
 ممکن است "نمایند" عزیز با پاسخ بد دهد که: خوب مگسر  
 اشکالی دارد که حرفها و رهنمود های " ما " فرقی  
 با حرفهای " بنی صدر " نداشته باشند مگسر  
 نماینده دولت " انقلابی " است و نمایندگان مجلس،  
 نماینده مردم و "۰۰۰ مانیز جزاین نمیتوانیم بگوئیم که شما از  
 جانب خودتان و نفعیاندگان از نفع سرمایه اری و سرمایه اری  
 ری صحبت میکنید و از طرف کارگران و زحمتکشان میهن مسا

آقای "نمایند" داستان سرد و انید شد نمای خودشان  
 را ادامه میدهند: " رفتن به مجلس " " بعد و حجت الا  
 سلام حجتی کرمانی و تهیه طرح از طرف " نمایندگان " و کم  
 شدن طرح از طرف خانم " اعظم طالقانی " اجاب است که  
 خانم اعظم طالقانی با کمال وقاحت دروغ میگوید و اینرا که مساله  
 بیکاری و فقر فلاکت کارگران، از هم پاشیدن خانواد میسان،  
 مردن فرزند انسان و "۰۰۰ مساله و برای او مطرح نیست بود  
 پوشی میکند و با اصطلاح نماینده کارگران نیز با تکرار این دروغ و  
 عوامفریبی و با عدم افشای آن، عالا " در این دروغ و در رایسن  
 عوامفریبی شریک میشود. آن کارگر زحمتکش اگر چه، رعایت  
 آقای "نمایند" را کرد اما چه خوب گفت که: " چرا خجالت  
 میکنی بگوئی دختر طالقانی کاغذ را پاره کرد " اگر آنها میخوا  
 ستند بدرد ما رسیدگی کنید کاغذ را کم نمیکردند، اینها بجا اهمیت  
 نمیدهند. آقای "نمایند" سپس ترجیح بند همیشگی اش را  
 تکرار میکند: " البته باز هم این مجلس مورد تأیید ما است " اما  
 معنای این جز این است که هر کاری این مجلس بکند، دستور بکند  
 و خون کشیدن کارگران را بدد " قانون برای سرکوب مبارزات کار  
 رگران و زحمتکشان تصویب کنند، برای سرکوب خلق قهرمان کرد  
 زد و هفتان کرد و ترکمن و "۰۰۰ مجوز قانونی بترشد و "۰۰۰  
 بله هر کاری که این مجلس بکند، البته " باز هم مورد تأیید آقای  
 "نمایند" است؟

پس راست آقایان پس است! شما اگر کاری برای کارگران صورت  
 نمیدهد، اگر باری از دوش آنان برنیدارید و گرهی از  
 مشکلاتشان باز نمیکنید، اگر قدمی در جهت آگاه کردن کارگران  
 از بین بردن توهماتشان و ارتقا مبارزاتشان برنیدارید در  
 اینصورت حتی اگر سرسوزنی صداقت دارید و دلنجان حقیقی  
 اندکی برای مبارزات کارگران و زحمتکشان میسوزد، آقا " از سر  
 راه آنان و مبارزاتشان کنار بربید، به توهماتشان دامن نزنید  
 کوشش نکنید آنان را همچنان ناآگاه و عقب مانده نگه دارید  
 کارگران حتی در همین تظاهرات هم نشان دادماند که کفاهای  
 بسیاری از شما جلوترند و بدون شما بهتر مبارزه کرده و از  
 خواستههای خود دفاع میکنند.  
 "نمایند" سپس در انتهای صحبت خود خواستههایشان را  
 مطرح میکند که اگر چه ناقص است اما نادرست نیست و  
 خوشبختانه دیگر از خواستههای نظیر بیکار کردن بکنفرانژن  
 و شوهر شافل، اخراج کارگران خارجی و "۰۰۰ در آن خیبری  
 نیست. خواستههایی که در این روز مطرح شد بحثوان جزئی  
 از خواستههای کارگران، نام از شافل و بیکار - در مبارزهشان  
 علیه بیکاری میتواند و باید مطرح شود اما باید دو نکته را  
 مورد توجه قرار داد:

اول اینکه علت ناقص بودن خواستههایی را که در این روز  
 مطرح شد در درجه اول میبایست در درک نادرست از  
 بیکاری و ابعاد آن در جامعه سرمایه اری و در درک محدود  
 از مبارزه علیه بیکاری و محدود و مختص کردن آن به مبارزه  
 کارگران بیکار جستجو کرد (این مساله را ما در آینده و در  
 نشریه "ظیمیکاری" مورد بحث و بررسی قرار خواهیم داد.)



# مبارزه دلیرانه کارگران پیشش همچنان ادامه دارد

«مانعور که در شماره پیش گفتم، کارگران کارخانه پوشش در ادامه مقاومت قهرمانانه خویش در مقابل اخراج ۲۶ تن از کارگران مبارز کارخانه، از "هیات پاکسازی" میخواهند تا در روز دوشنبه ۵۹/۶/۱۰، در جلسه عمومی کارگران علیه اخراج آنان را توضیح دهد. اما "هیات پاکسازی" به قصد ناانگیز کردن کارگران و تبلیغات بر علیه کارگران اخراجی، در تباب آنها و بدون اطلاع قبلی در روز یکشنبه در کارخانه حاضر میشوند. کارگران از یکسو به این عمل "هیات" اعتراض نموده و از سوی دیگر موضوع را به کارگران اخراجی اطلاع دادند و آنان خود را به در کارخانه رسانند. در اینجای نیست که به برخی سازشکارانی نیز که در میان کارگران اخراجی بودند اشاره کنیم. ایشان که در آغاز پیشنهاد میکردند بجای تشکیل جلسه عمومی کارگران، پتیهایی به نزد "هیات" بروند و حجت تصدیق بدهند که دیگر اقدامی در کارخانه نکنند (و البته با مخالفت سایر نمایندگان روبرو شدند) در جلوه ر نیز از رفتن بدرون کارخانه و شرکت در مجمع عمومی امتناع میکنند اما موج خروشان کارگران که میخواهند آگاهانه و فعال در امر اخراج نمایندگان دشمن دخالت کنند، آنان را در آغوش خویش بدرون کارخانه برد و بدین ترتیب کارگران توانستند نقشه "حجت الاسلام حسینی" رئیس "هیات پاکسازی" را زشت برآب سازند و جلسه عمومی را مطابق با تصمیم خویش تشکیل دهند.

کوشش حسینی برای اثبات جرم کارگران اخراجی، طبق معمول از کلی بافی هائی نظیر "ضد انقلاب بودن" و "توطئه علیه جمهوری اسلامی" و ... فراتر نرفت. چنین اعلام جرم و نحوه محاکمات تنها در درون دادگاههای فرمایشی رژیم که ارکانی برای سرکوب انقلاب و مبارزات کارگران و زحمتکشان است، اعتبار دارد اما برای کارگران مبارزی که همکار مبارز خویش را در پیگیری دفاع از منافعتان در عمل شفاختانند، چنین اعلام جرم محاکمات تنها میتواند بر ملا کند و کلیه دادگاههای در بسته رژیم برای محاکمه انقلابیون و کمونیستها باشد. "حسینی" خود به صحبت مشغول شد و در حالیکه فالاترها که رهبرشان کلت نیز بهمراه داشت، فریاد میکنند "حزب فقط حزب الله ... و پاسداران دوردور کارخانه را محاصره کرد بودند، به کارگران مبارز اجازه صحبت ندادند در اینحال نمایند "اخراجی فریاد زد، آری من گناه کرد نام و میخواهم در باره آن صحبت کنم" و حسینی بخوبی اینکه با لایحه نمایندگان را به سازش رسانید، است به او اجازه صحبت میداد. نماینده اخراجی با بررسی مبارزات کارگران "پوشش" و نقضند انقلابی رژیم و ماهیت آن و مبارزات کارگران اخراجی منبوم کلمه "ضد انقلابی و توطئه گر از نظر سرمایه داران و دولت کارگزاران را بخوبی نشان داد.

کارگران اخراجی سیر در حالیکه "حسینی" به آنها اخطار

میکرد که پرونده آنها به اندازه کافی مستین است و بیش از آن سنگین نکنند" اینطور نتیجه گیری کردند که آیا ضد انقلاب خواهند آنجا نشان نمیدهند که در کردستان چه خبر است؟ آیا "ضد انقلابیهای" کردستان از قبیل همین "ضد انقلاب" هائیکه "هیات پاکسازی" میباید نسبت؟ آیا در همه جا این کارگران مبارز نیستند که "ضد انقلاب" خوانده میشوند؟ و ... کارگران اخراجی در انتهای یکباردیگر خواستند که کار آنها جرمی مرتکب شده اند، این جسم در نزد کارگران، بعضی کسانی که آنها در کنارشان زندگی، و مبارزه کرده اند بررسی شده و آنان در حضور کارگران و در کارخانه محاکمه شوند. اما "حسینی" در پاسخ کارگران "وعد" میدهد که آنها را در نماز جمعه محاکمه کند که این حرف با تسخر، اعتراض و خشم کارگران روبرو میشود و کارگران اخراجی اعلام میکنند که حاضر نیستند در نزد کسانی که در نماز جمعه حاضر می شوند، یعنی کسانی که بطور عمد جز بزرگ ارهای بازار هستند که در استعمار کارگران سهم و شریکند محاکمه شوند. و تقاضای خود را برای بررسی جراثیمان در حضور کارگران تکرار کردند و پیشنهاد کرد تکه در صورتی که "هیات پاکسازی" برآستی به درستی ادعاهای خود اطمینان دارد، آنها حاضرند در یک مناظره تلویزیونی با "هیات پاکسازی" شرکت کرد و در نزد تمامی مردم به ادعاهای "هیات" پاسخ گفته و از خود در دفاع از مبارزه و منافعت کارگران دفاع کنند، که این پیشنهاد با استقبال و حمایت صراحت کارگران روبرو میشود. در انتها، از آنجائیکه بدلیل بوج بودن ادعاهای "هیات پاکسازی" و اعمال و حرفهای ضد کارگری و ضد انقلابی آنان جلسه متشنج شده و ممکن بود کارگران خشمگین بلانی بر سر اعضای "هیات پاکسازی" بیایزند کارگران اخراجی با اعلام ختم جلسه "هیات" را از مجمع عمومی بیرون کرده و در ادامه جلسه بدرون حضور "هیات" تصمیم میگیرند که برای پیگیری خواستشان دایر بر برقراری مناظره تلویزیونی، روز شنبه دوباره مجمع عمومی را تشکیل دهند.

باین ترتیب کارگران قهرمان "پوشش" باتکاء به نیروی اتحاد و همبستگی خود در مورد چگونگی اخراج کارگران و بررسی و تصمیم گیری در این مورد در مجمع عمومی کارگران و با ایجاد حتی دفاع برای کارگران اخراجی، اراده خود را اعمال کردند و از جمله امکان پیدا کردند تا سیاست "هیات پاکسازی"، "حجج اسلام" و دولت و ... را در رابطه با مبارزه کارگران که چیزی جز سیاست سرکوبگرانه نیست، تجربه کنند و ماهیت واقعی دولت و "هیات" ها و ارگانهای رنگارنگ نمایند آنها شناسائی نمایند.

در حالیکه موج اخراج کارگران و بویژه و در درجه اول کارگر-ان مبارز و پیشرو، تمامی کارخانهها را در می نوردد، بکار گرفتن چنین شیوهی یعنی بسیج کارگران برای بدست گرفتن اختیار بر اخراج کارگران و سپردن حق اخراج به مجمع عمومی کارگران یا ارکانی که مجمع عمومی تعد بین میکنند، در جهت ارتقا مبارزات کارگران و متشکل و آگاه نمودن آنان، وسیله موثری است کسه



دنباله مبارزه دلیرانه ۰۰۰۰ از صفحه ۷

در باید بطور مناسب و نمایستای از طرف کارگران پیرو مورد استفاده قرار گیرد و کارگران پیشرو و مبارز می بایست کارگران را برای سلب حق اخراج و بیکار نمودن کارگران یعنی سلب حق محروم کردن کارگران از مبارزه بر علیه سرمایه داران و تامین و بهبود معیشت خویش از سرمایه داران بسیج کنند. کارگران مبارز و پیشرو می باید هنگامیکه مجمع عمومی تشکیل میشود، به انشای نظام سرمایه داری و قوانین حاکم بر آن و دولت حامیش که چنین اختیاری را به سرمایه داران میدهد، دست بپزدازند و حمایت کارگران را از مبارزات کارگران بیکار و مبارزات کلیه کارگران دیگر کارخانجات بر علیه اخراج و بیکاری جلب نمایند.

در روز جمعه ۵۹/۱/۱۴، یعنی یکروز پیش از موعد تجمع کارگران، بدنبال ترور وحشیانه رفیق شهید "حسن صالحی" بدست جنایتکاران حامی سرمایه یعنی باسداران، در جریان تشییع جنازه این رفیق، بنا به تحریک "امام جمعه" رشت، درگیری شدیدی و وسیعی بین عناصر حزب اللیس و تشییع کنندگان که بالغ بر ۱۲۰۰۰ نفر بودند رخ میداد. در این درگیری عناصر فلاتو و اوپاش و سپاهیان باسدار از هیچگونه وحشیگری و زوالتی فروگذار نمیکند. آنها حتی جسد شهید را ردیانه مورد اصابت ضربات قنداق تفنگ و باطنیم قسرسار میدهند، جسد را بر زمین می اندازند و بدان لگد میزنند و با آغز خود از دهن جسد نیز جنایتکاری میکنند. در جریان این درگیری ها حدود ۲۰۰ نفر بوسیله سیاه باسداران دستگیر شدند. این درگیری و تشییع و حفظانی که دنبالش همسر را فراموش کردند، عامل دیگری میشود تا مزدوران رژیم با استفاده از آن، هر چه زودتر تشییع مبارزه کارگران کارخانه "پوشش" و کارگران مبارز این کارخانه را یکسره کنند.

در روز شنبه قرار بود که مطابق معمول چند بار قبل، همگی کارگران در جلوی کارخانه جمع شده و کارگر مبارز اخراجی را بردوش خود بداخل کارخانه ببرند. مدبران کارخانه در ابتدا برای جلوگیری از تجمع کارگران اقدام به برداختن ساعده میکنند، اما بطریق اینتارو در ساعت یازده و پسران ز پایشان برداخت مساعده، کارگران برای آوردن کارگران اخراجی بداخل کارخانه، در محوطه کارخانه اجتماع میکنند. اما ایادی رژیم و کارفرما، بنا بر تصمیم قبلی و با تحریک کارگران ناآگاه و عقب مانده که تعداد کمی از کارگران را نیز تشکیل میدادند، مجمع جداگانه ای ترتیب داد و شروع به دادن شعار میکنند. در این هنگام ۶ باسدار همراه با یک جیب و یک سیمرغ وارد کارخانه میشوند. کارگران که چنین می بینند تعدادی از کارگران مبارز را که شناخته شده بودند، فراری میدهند اما کارگران فلاتو مزدوران این قضیه آگاه شدند و باسداران را خیر میکنند. در این موقع یکی از باسداران دست یکی از کارگران اخراجی را میگیرد. یکی از زنان مبارز کارگر با دندان گرفتن دست باسدار موفقت میبرد تا کارگر اخراجی را از دست وی رها کند. اما کارگر مزبور بدلیل محافظه کاری و سازشکاری از فرار خود دریغ میکند. باسدار دست به تیراندازی هوائی میزند و کارگر اخراجی دوباره دستگیر میشود. هنگامیکه باسداران میخواهند کارگر مزبور را از کار-

خانه خارج کنند، کارگران به ماشن باسداران حمله میکنند اما موفق به آزادی وی نمیشوند. شعار "مرگ بر باسدار حامی سرمایه دار" فضای کارخانه را پر میکند. کمی بعد ۴۰ باسدار وارد کارخانه میشوند و بسا حلقه ای وحشیانه سه نفر دیگر را دستگیر میکنند. یک کارگر با کتوله باسداران سرمایه مجر-وح میشود. این درگیری ها در روزهای یکشنبه و دوشنبه نیز سر تکرار میگردد.

در این فاصله نمایندگان سازشکاران دوباره به تنهایی بسرای مذاکره سپردن تعهد به نزد "هیات پاکسازی" میروند. ولی از آنجا که هدف رژیم همواره سرکوب مبارزات کارگران و جلوگیری از ادامه و گسترش آنست و در جستجوی کنار آمدن با کسانسی است که همچنان در صفوف اولیه کارگران به مبارزه مشغولند، تا بدینوسیله بتوانند مبارزات کارگران را برکود کنند و سرکوب نمایند، لذا کارگران سازشکار با بی توجهی "هیات" مواجهه میکردند. اعمال این سازشکاران بر مبارزات کارگران اثراتی منفی و مخرب بجای میگذارد. اما اوج گیری مبارزات کارگران بکسک کارگران واقعا مبارز و پیشرو، همراه با انشای فعالیتهای این سازشکاران، بزودی ما هیات واقعی این سازشکاران را بر تمامی کارگران روشن نموده و آنان را از سحنه مبارزه کارگران بطسرد مینماید. چنین عملکردهای سازشکارانای هم اکنون در بسیاری از کارخانجات ایران به چشم میخورد. البته سازشکاران همیشه دلایل متعددی برای تبرئه اعمال خویش دارند، مثلا - یلی که منافع و مصالح همه کس و همه چیز را در نظر دارد، مگر منافع طبقه کارگر و مبارزه طبقاتی را. و بهمین دلیل نیز کاملا در جهت خلاف منافع کارگران است (نتیجه عملکرد این سازشکاران و نقش آن در مبارزات کارگران را در گزارش از مبارزات کارگران "بیا" در همین شماره بررسی کردیم که شما را به آن رجوع میدهیم.)

بدنبال این جریانها، رژیم اقدام به اخراج ۵۰ تن دیگر از کارگران مبارز مینماید. همچنین باسداران برای دستگیری کارگران مبارز، همراه عناصر مزدور کارخانه، اقدام به گشت زنی و شناسایی کارگران مبارز نموده که از این طریق و در جریان درگیری ها تاکنون مجموعا یازده نفر را دستگیر کرده اند. طی این مدت کارگران مبارز و آگاه دیگر کارخانجات از قبیل کارگران کارخانجات "پوبو"، "ایرسلان" و "راف" بطریق کسار-شکنیهای سازمان چریکهای فدایی خلق (اکتیه)، از مبارزات قهرمانانه کارگران "پوشش" حمایت و اعلام همبستگی نموده اند. از طرف دیگر، کارگران قسمت لامپ کارخانه توشیبا که در میانشان تعدادی عناصر ضد کارگر و ضد انقلابی عضو حزب مزدور "رجیران" وجود دارد، با فلاتو-های کارخانه "پوشش" اعلام همبستگی نموده اند.

در روز سه شنبه ۵۹/۱/۱۸ سردسته چاقداران و فلاتو-ها، هادی ففاری برای سخنرانی به کارخانه میروند و در سالن اجتماعات برای کارگران صحبت میکنند و سپس قصد برگزاری نماز جماعت میکنند که پیش از حد نفر (از حدود ۲۰۰۰ نفر کارگر کارخانه) باقی نمی ماند. در همین روز مدبر عامل جسد



## گزارشی از ادامه مبارزات کارگران کارخانه "بیا"

در شماره پیش خبر کوتاهی در مورد اخراج کارگران مبارز کارخانه "بیا" (تولیدکننده کفش و یکی از شعبات کفش بلژ) و مقاومت کارگران در مقابل آن برج کرده بودیم. در این شماره ابتدا گزارش جریان مبارزه و مقاومت قهرمانانه کارگران این کارخانه را آورده و سپس نتیجه آن را مورد بررسی قرار میدهیم:

"هیات پاکسازی" کارخانجات استان گیلان برای سومین بار در روز پنجشنبه هفت شهریورماه برای اخراج کارگران مبارز کارخانه "بیا" مراجعه میکنند. اما چون مدت‌نهایت قبل به نتیجه نرسیده‌اند و بازگشته‌اند و دوباره به همراه یک مأمور یا سنا می‌آیند. اما کارگران با اجتماع در جلوی کارخانه و مقاومت یکپارچه خود را زورود با سنا را داخل کارخانه جلوگیری میکنند و با سنا را که خود را در مقابل کارگران ناتوان میبینند، تقاضای کمک میکنند و در نتیجه دو مأمور یا سنا دیگر نیز کمک با سنا را اولی می‌آید. با سنا را سلسله‌ای از دست‌هاست کارگران نه میروند اما کارگران همچنان قهرمانانند. مقاومت کرده و زور و نشان جلوگیری مینمایند. یکی از کارگران در حالیکه بیرون خود را با لایم زنگار به پا سنا را فریاد میزند: "تیراندازی کنید! پس چرا معطلید؟" اما در مقابل خورا انقلابی و شهادت و همبستگی و یکپارچگی مبارزاتی کارگران، با سنا را ناچار به عقب نشینی شده و از جهت اسلام حسینی "رئیس هیات میخواستند که برای منظره به کارخانه بیا بیا بیا بدین ترتیب با سنا را که در مقابل خود نمونه‌هایی از قدرت لایزال کارگران انقلابی را دیده‌اند، حراسان از گسترش آن در میان کارگران گیلان و سایر استان‌ها از اعمال سرکوب مستقیم موقتا خودداری میکنند و دست‌هاست بدین اسلحه مذاکره و تریب میگردند. آری حمایت و مقاومت انقلابی کارگران جرعه است که نور آن تمامی کارگران را به توان انقلابی خویش و لزوم همبستگی و تشکل‌ها که نمونه و شعله‌های سوزان مبارزه و مقاومت را در آنان برمی‌فروزد.

کارگران "حسینی" را تنها و بدون با سنا را داخل کارخانه راه ندادند و بر حضور کلیه کارگران خواستار رسیدگی به پرونده کارگران مبارز گردیدند. "حسینی" ناچار تسلیم خواست کارگران شده و پرونده کارگران را که در لیست اخراج بودند منظره لبه میکنند. اما مطالعه پرونده‌ها بنا بر این مأموریت "هیات" و رژیم را افشا نمود. بخصوص که پرونده یکی از کارگران گواهی میداند که این کارگر مبارز برای رژیم شاه نیز "ضد انقلابی" و "توطئه‌"

گر" محسوب میشده و به همین جرم نیز اخراج گردیده است. "حسینی" در مانده از نوع توطئه‌ای میگوید که رسیدگی به پرونده با اینطور باشد که مردم قضاوت کنند. یکی از کارگران با پاسخ میدهد که کارگزاران با ما کار میکنند و این مأموریت که با بدتر باره اوقضاوت کنیم. "حسینی" دیگر مجبور میشود مأموریت از چهره بردارد و میگوید که "تخصیص شما درست نیست و شما آگاه نیستید" کارگر زور جواب میدهد که "بسیار خوب! اما شما هم وقتی میخواهید این جریان را از تلویزیون بیخ شما بردارید تا مردم قضاوت کنند، باید بگوئید که کارگران! شما مردم نیستید. شما آگاه نبودند و تشخیص شما درست نیست!" برآستی "حسینی" چه کسائی را "مردم" میندازد و هنگامیکه میگوید "مردم" باید قضاوت کنند! اما تشخیص کارگران را درست نمیداند. قضاوت را به چه کسائی میسپارد؟ آیا منظور "حسینی" از "مردم" کسائی نیست که بخوبی منافع و خواسته‌های مردم مایه‌ناری و دولت‌وی را درست تشخیص داده و محترم میشمرند. کسائی که "قضاوت صحیح" و "تخصیص درست" را در مورد محاکمه کلیه کارگران مبارز زحمتکشان انقلابی و کمسو-نیست با رها و بارها به اثبات رسانیده‌اند؟ بالآخره چنانکه انتظار میرفت از این جلسه نتیجه‌ای شایسته "حسینی" نماند. "هیات پاکسازی" درخاتمه جلسه هنگامیکه دیگر همه راه‌ها را بروی خود بسته دیده‌به‌به‌بها نه‌میتواند و ساختگی معتاد بودن کارگران مبارز متوسل شده و از کارگران اخراج میخواستند که برای اثبات معتاد نبودن خود خون و آنرا برشان را آزمایش کنند و به همراه نتیجه آزمایش نزد "حسینی" بروند. کارگران اینکار را انجام میدهند و همراه نتیجه آزمایش که عدم اعتقاد آنها را نشان میداند نزد "حسینی" میروند و در حالیکه به نیروی اتحاد دو مبارز کارگران تمام می‌سپرده‌ای "هیات" برای کارگران روده‌دیگر راهی برایشان باقی نمانده بود و کارگران اخراجی همان-بت‌روزا فزون کارگران را با خود در مقابل با اخراج همراه نمانده‌ها کارگران اخراجی به مبارزات کارگران پشت نمونه و با سپردن تعهد مبنی بر اینکه علیه جمهوری اسلامی توطئه نکنند بصر کارها زنگشتند.

در اینجا تحلیل از زمانه بازگشت این جنبش کارگران اخراجی بوسه کاروانا شیران آن بر روند مبارزات کارگران بسیار ضروریست. سپهرن این تمهید تنها بمعنا می‌محکم شمردن مبارزات کارگران مبارز و سایر کارگران کارخانه "بیا" بلکه بمعنای امضای سند محکومیت مبارزات تمام می کارگران و زحمتکشان انقلابی است. اتهام واهی "غدا انقلاب" و "توطئه علیه جمهوری اسلامی" و غیره آنها-ماتی است که با بنروزها بر پیشانی هر کارگر مبارزه‌هر زحمتکشان انقلابی و هر کمونیست و انقلابی رزمنده‌ای خورده

## کارگران شاغل کارگران بیکاران اتحاد اتحاد علیه بیکاری



دنیاله گزارشی از ۱۰۰۰ از صفحه ۹

و مجازاتهای اخراج هستندگیری، شکنجه، اعدام و سرکوب و غیره را به همراه می آورد. کارگران مزبور با هر کارگر دیگری که با یزیدکار دست میزنند، «ولا» برخواستند و رژیم مبنی بر «ضد انقلابی» و «توطئه آمیز» و نمود کردن مبارزات کارگران صده میگذاردند و زمینه تبلیغاتی وسیعی را برای رژیم فراهم مینماید و بنا بر این «اینگونه اتهم است جسمانی و تعیین مجازات مربوط به آنرا تا نیندکند و بر مسبت مینماید. درحالی که دست برعکس، بر کارگران مبارز و انقلابی است که هرگونه اقدام رژیم سرکوب مبارزات کارگران و زحمتکشان را که تحت بنین لوثی صورت میگردد، افشا نموده و نشان نمیدهند که چرا رژیم قادر نیست هیچگونه مبارزه را تحمل نماید و بنا بر این سرکوب آن است و برای فریب سازیرتوده ها و کارگرو زحمتکش و جلوگیری از حمایت آنان از مبارزات یکدیگر و منفرد و پراکنده نمودن مبارزات انقلابی آنان به این شیوه ها متوسل میشود. بنا بر این نندیدن وسیله به بسیج نیرو و تکلیف کارگران در جهت بی اعتنار کردن این توطئه ها اقدام نمائند. هدف سرمایه داران و رژیم از اخراج کارگران مبارز، محروم کردن کارگران از زمین و ان مبارزات است. کارگران تنها بسا نیروی مبارزه و مقاومت متحدانه در مقابل این تعرض رژیم به مبارزاتشان قادر خواهند بود تا مانع اخراج کارگران مبارز شوند. و کارگران مبارز «بنا» نه تنها توانستند با نیروی تشکل و اراده خویش مانع اخراج نما یندگان خویش گردند بلکه آموختند که چگونه می باید مانع اخراج هر کارگری بنا بر میل و اراده کارفرما گردند. کارگران در این مبارزه به عظمت نیروی تشکل و اتحاد در مقابل کارفرما و باستاناران حامی آنان دستاوردها و آنان بی بردند و این سرآغازی برای رشد بیشتر آگاهی و مبارزات این کارگران بسود.

اما اتحاد روش کارگران مزبور برای جلوگیری از اخراج، یعنی سپردن تعهد که تنها مانع فردی کارگران را در بردارند، معنای باطل اعلام نمودن این شیوه از مبارزه است. و بدین ترتیب معنای پشت پا زدن به تمامی مبارزات کارگران «بنا» و بی تمر اعلام نمودن آن و از میان بردن توان مبارزاتی و شور انقلابی آنان است. بازگشتن این کارگران به کار و بعضی اینکه متصل مبارزه متحدانه کارگران باشد، نتیجه سازی فردی کارگران با کارفرماست که نه تنها شیخ دستاوردی برای کارگران ندارد بلکه بعکس به مبارزات کارگران ضربه زده و راه را برای زورگویی و اعمال فشار و اخراج کارگران هموار تر میکند.

اما ممکن است منظوری کارگران و کارگران دیگری که با یزیدکار دست میزنند دفاع از منافع فردی و پشت پا زدن به مبارزات کارگران نباشد بلکه بعکس چنین تصور نماید که با این ترتیب خواهند نمودند تا به کارخانه بازگشته و مبارزات خود را ادامه دهند. اما باید بدانست که مبارزه طبقه کارگر مبارزه کارگران یک کارخانه و غیره هر چند

که با شرکت کارگران آگاه متشکل میگردد و در جهت صحیح همیشه می رود. لکن با غیبت آنان از بین نمیرود، اگرچه ممکن است حتی بازرگانی کوتاه مدت نیز نباشد. زیرا مبارزه طبقه کارگرناسی از موقعیت عینی زندگی و فقر و فلاکت و ناپسامانی که با آن درگیر است میباید. اما آنچه که جوهر پیچید و ارتقا این مبارزه است بالا رفتن درک و آگاهی کارگران و شناخت مبارزه و شیوه ها و آن و آگاهی بر موقعیت طبقاتی و نیروی خود و منافعیان و راه از میان بردن نظام استثمارگری سرمایه داری است. و یک عنصر آگاه نه به اعتبار حضور ما، دی و فیزیکی این در میان کارگران بلکه به اعتبار نقشی که در ارتقاء آگاهی و مبارزات کارگران ایفا میکند اهمیت دارد. ملاک ما برای هر گونه فعلیاتی تنها و تنها این است که این فعلیت ما چه اثری بر مبارزات کل کارگران مینماید.

اما همچنان که گفتیم کارگران مزبور با سپردن تعهد در واقع به مبارزات کل کارگران لطفه زده اند. گذشته از این طبیعی است که کارگرناسی که سازش کار-

گران مزبور و سپردن تعهدشان مبنی بر عدم فعالیت «ضد انقلابی» و «توطئه علیه جمهوری اسلامی» را دیده اند اطمینان و اعتمادشان به آنها و شیوه مبارزاتشان سست شده باشد. معافا به اینکه فعالیت این کارگران شدیداً محدود شده زیرا در صورت کوچکترین حرکتشان رژیم این بار را در دست داشتن مشرک و درحالی که دیگر کارگران مانند سابقاً با آنها نمیتوانند همکاری نمایند کرده است به اخراجشان خواهد زد.

کارگران مزبور به قیمت لطفه زدن به مبارزات کارگران دوباره بکار بازگشتند. ولی در حالیکه تنها هیچ بهبودی در موقعیت مبارزاتی شان ایجاد نشده، بلکه موقعیتشان وخیمتر نیز شده است. زیرا با این عمل خود به تشکل آهنگین کارگران نیز که بهترین اسلحه برای مقابله با سرکوب رژیم و سرمایه داران میباشد ضربه زدند.

در این چنین مواقعی برای کارگران تنها دو راه وجود دارد. یا ادامه مبارزه از طریق اتکا به نیروی کارگران و ارتقا مبارزات آنان و یا حفظ کار به قیمت کنار گذاشتن مبارزه و تشکیف مبارزات سایر کارگران

مبلغ ۳۰۰۰ ریال کمک مالی رفیق کارگری که خود را با شماره ۴۶۷ معرفی کرده است دریافت شود.





نگاهی به نشریه "بیکاران" ارگان سراسری کانوینها و شوراهای بیکاران کشور - قسمت دوم

## ردنظرات بیکاران دربار "وابستگی"

در قسمت اول این مقاله دیدیم که نشریه "بیکاران" طبعاً اصلی بیکاری را وابستگی اقتصاد ایران به خارج میدانند و با صدای بلند اعلام میکنند که "ناقطع وابستگی، بیکاری حل نمیشود" و ما با آوردن چند خبر بعنوان شاهد نشان دادیم که بیکاری در ابعاد وسیع و خطرناک همین حالا در آمریکا هم، که مانند ما اقتصاد نر وابسته نیست، وجود دارد، (و در این فاصله هم خبر داریم که در انگلستان هم تعداد بیکاران بعد از و مایون نفر رسیده است و در سطح جهانی در حدود ۴۵۵ میلیون نفر یعنی قریب به ۱۰٪ جمعیت دنیا بیکارند) و از این طریق نشان دادیم که بیکاری عارضه نظام سرمایه داری است و تلاش نشریه "بیکاران" برای نسبت دادن بیکاری به وابستگی اقتصاد ایران، بیبهره است اما کار ما با نشریه "بیکاران" به همین جا ختم نمیشود و بحث را برای روشن تر شدن موضوع ادامه میدهم.

ابتدا میخواهم ببینیم "وابستگی" از نظر نشریه "بیکاران" به چه معناست؟

منشور نشریه "بیکاران" از وابستگی دقیقاً یعنی "نیاز به خارج" و رفتی از قطع وابستگی سخن میگوید مقصودش این نیاز شدن ایران از واردات خارجی است، اعم از اینکالین واردات، واردات سرمایه باشد، یا کالا یا تکنیک و ... بهمین دلیل نشریه بیکاران حتی تا سیر هر قدری را هم در جهت افزایش وابستگی میدانند و آنرا به زبان مردم آریایی میکنند، چرا که بقول خودش "برای کار مرغاری نیاز به ۹ قلم جنس هست که باید از خارج وارد شود"!

حال ببینیم این نشریه چه راه حلی را برای قطع وابستگی، که از نظر او درمان بیماری بیکاری است، ارائه میدهد؟ نشریه بیکاران بما میگوید: "بدون وجود صنایع مادر، قطع وابستگی امکان پذیر نیست". یعنی باید صنایع سنگین، ذوب فلزات، کارخانه های اصلی ماشین سازی و بطور خلاصه آن صنایع اصلی که وسایل را تولید میکنند در ایران بوجود بیایند تا مساله بیکاری حل شود.

ما با این ادعا مخالفیم و اینرا خوب میدانیم که حتی اگر در ایران صنایع مادر هم بوجود بیایند اما هنوز نظام سرمایه دار حاکم باشد، باز هم بیکاری همانطور که اکنون در انگلستان و آمریکا وجود دارد وجود خواهد داشت.

طیروم این مخالفت میخواهم ببینیم که از این ادعاهای نشریه "بیکاران" چه نتایجی باید کارگران بشنود ...

همه ما میدانیم که برای ایجاد صنایع مادر در ایران، در بهترین و مساعدترین حالت، سالهای سال وقت لازم است، وقتی که این نشریه حل مساله بیکاری را به زمان قطع وابستگی یعنی پس از بوجود آمدن صنایع مادر حواله میدهد، منظورش جز این نمیتواند باشد که:

"کارگران! بخیود به دولت زور نگویند اینقدر نگویند کار میخواهم، دولت که نمیتواند معجزه کند! این کار زمان میخواهد. شما باید خواسته های منطقی را مطرح کنید!"

آیا این اندر زهای حکمانه شما را بیاد دولت موقت و سر-دندان رژیم نمی اندازد که در اوج بی صبری از شما توقع صبر انقلابی داشتند و هنوز هم دارند؟!!

می بینید که چگونه نشریه "بیکاران" که در ظاهر طرفدار بیکاران است، همصدا با "فره رها" از آب درمیآید؟ میگویند، دولت موقت هیچوقت با پرداخت بیمه بیکاری - وقت نکرد اما نشریه "بیکاران" خواستار آنست بنا بر این آنها با دولت همصدا شدند.

اگر وقت کنید ببینید که نشریه بیکاران اگر بخواهد قطع وابستگی را اهم وظایف دولت ملی بحساب آورد مجبور است استدلال او را هم بپذیرد:

بازرگان میگفت: در خانه قاضی گرد و زیاد است اما حساب و کتاب دارد! یعنی پولی را که ما باید در صنایع ملی سرمایه گذاری کنیم نباید بکارگران درازا "بیکاری" بپردازیم. نه تنها نشریه بیکاران بلکه هر جریانی که بر علیه "وابستگی" اعلام جنگ بکند و در عین حال بر علیه حاکمیت بدون قید و شرط روابط سرمایه داری اعلام جنگ کرده باشد باید با این استدلال بازرگان قانع شده باشد.

اکنون سؤال دیگری مطرح میشود و آن اینست که: اگر کارگران برای قطع وابستگی مبارزه میکنند برای چه چیز مبارزه میکنند و قطع وابستگی در مبارزه آنها چه مکانی دارد؟ ده ها سال است که کارگران برای نابودی هر نوع ستم طبقاتی، استثمار فقر، جنگ، خرافات و ... مبارزه میکنند. در يك کلام برای انهدام سرمایه داری مبارزه میکنند. کارگران میخواهند این نظام را که بر پایه استثمار کار فردی و مالکیت خصوصی وسایل تولید استوار است در هم بزنند و با سازماندهی سوسیالیستی جامعه، خود و بشریت را از خفتی که سرمایه داری بر آنها تحمیل کرده استرها سازند. علم مبارزه بخوبی به آنها آموخته است که آنها ابتدا باید ابزار حاکمیت دشمنان طبقاتی خود را درهم بکنند و قدرت سیاسی را بدست بگیرند تنها پس از کسب قدرت سیاسی است که نابودی سرمایه داری

# کارگیر و زاست سرمایه، نابود است



دنباله رد نظرات ۰۰۰ از صفحه ۱۱

و نابودی مدافعان آن میسر میشود.

علم مبارزه طبقاتی و تجارب مبارزات کارگران در سراسر جهان اینده واقعیت را نیز با ثبات رسانده است که کارگران باید ابتدا کار را با پیروزی کشور خود یکسره کنند. از طرف دیگر تجربه انقلاب حاضر هم بخوبی با نشان داده است که دولت‌های بورژوا هرگز همالگی هایشان را در مقابل حملات انقلابی کارگر ان بزحمتکشان تنها نمیندازند، و مجرد احساس خطر سرنگونی یک دولت، سبیل کمک مالو، مهمات جنگی، جنگ افزار آذوقه، مستشار نظامی، جاسوس کارشناس ضد اغتشاش و ۰۰۰ سرازیر میشود.

کارگران بخوبی میدانند که پس از پیروزی و رسیدن بقصد رت در یک کشور، باید برای جنگ و مقابله با ارتزهای تجاوزگسر دولت‌های دیگر ورود رژی مستقیم یا آنها، آماده باشند.

در چنین شرایطی، این مسلم است که هر چه کشورها بسه دشمنان خارجی کمتر متکی و نیازمند باشد، امکانات بیشتری برای ادامه مبارزه و کسب پیروزی نهایی خواهند داشت. پس کارگران موظفند کشور خود را هر چه بیشتر از دشمنان خارجی بی‌نیاز سازند. برای اینکه کارگران بتوانند کشور خود را از دشمنان خارجی بی‌نیاز سازند و از شر "وابستگی" به آنها برهانند شرط اول اینست که ابتدا آنرا از آن خود سازند.

کارگران! ایران امروز میهن ما نیست. میهن دشمنان ماست. زمینهای ایران متعلق به سرمایه داران و ملاکین یعنی دشمنان ماست، کارخانه های ایران متعلق به دشمنان ماست، محصولات این کارخانه ها متعلق به دشمنان ماست، ارتش ایران در اختیار دشمنان ماست، دولت و دولت دشمنان ماست، همه چیز ایران از آن دشمنان ماست. کارگران و زحمت کشان ایران از نعمات و ثروت های ایران بی‌نسیبند تا آنروز که ایران، ایران سرمایه داری است و سرمایه داران بر آن حکومت میکنند، ایران چه وابسته باشد چه نباشد، از زمینهای آن جز قبری بنا نمیرسد، از کارخانه های آن جز زهر زدی بخور و نمیر بنا نمیرسد، از ارتش آن جز گلوله و زندان و بیگاری اجباری سهم دیگری نداریم، از دولت آن جز سرکوب و فریب و مالیات تخیر دیگری، بنا نمیرسد، از خانه های آن جز کسپر مخروبه ای سهم ما نیست، از ثروت های آن جز حسرت، نمیبی نداریم و از آزادی های آن فقط آزادی فروش نیروی کار از آن ماست!

این فقط مخصوص ما نیست. کارگران در هیچ جای جهان سرمایه داری وطن ندارند. بهمین جهت همه آنها هموطنند! زمانی که کارگران جهان موفق شوند، سرمایه و امپریالیسم را به زیانه دان تاریخ بیانند ازند هیچ خط و مرزی بنی بشر را از یکدیگر جدا نخواهد کرد. اما امروز هر که از جهان قلمرو یک دولت است و هر که، میهن سرمایه داران یک کشور.

در اینجا یک تذکر مهم و خارج از موضوع ضروری است. از اینکه ما میگویم ایران، امروز میهن سرمایه داران است نه میهن ما، اینچنین نتیجه نمی‌شود که ما به سرنوشت ایران کاری نداریم! ایران در اصل میهن ماست اگر چه اکنون نیست. کارگران

و زحمتکشان ایران چه خواهند و چه نخواهند بعلت ایسرانس بودن، سرنوشتی مشترک دارند و از طرف دیگر خود بوجود آورندگان همه ثروت های ایران و صاحبان اصلی آنند. لذا خود را آشتی ناپذیرترین مدعیان تصاحب ایران میدانند. ایران - فردا از آن ما و فرزندان ما است، بنابراین هر کس که با سرنوشت ایران بازی کند سرنوشت ما و فرزندان ما را به بازی گرفته است، هر کس که آنرا بفروشد میهن ما را فروخته است. هر کس که به آن تجاوز کند به میهن ما تجاوز کرده است. تاکید می‌کنیم که ما ایران را برای خودمان یعنی برای کارگران و زحمتکشان میخواهیم. همچنانکه از تصرف هر بخش از آن توسط کارگران و زحمتکشان و رهائی آن، استقبال می‌کنیم در مقابل هرگونه تجاوز امپریالیست ها و نوکران آنان به میهنمان قدم علم خواهیم کرد. شاید غاصبان فعلی ایران، یعنی سرمایه داران و ملاکین و دولت آنها نیز برای حفظ منافع خود و حفظ بردگانشان در اسارت خود، با دشمنان خارجی به نبرد برخیزند. لکن ما خود را گوشت دم توپ آنها نمی‌دانیم. متحدان ما در این جنگ همه آن نیروهای هستند که ایران را برای کارگران و زحمتکشان میخواهند. همیسن بس! ما همواره صفوف خود را از صفوف دشمنان امروز و فردا - یگان "مستقل" نگاه خواهیم داشت!

۰۰۰ به موضوع بحث برگردیم ۰۰۰۰

این درست است که سرمایه داران هر کشور، میهن خود را دارند. اما سرمایه داری در عصر ما، در عصر امپریالیسم، جهانی نی شده است. شرکت های بزرگ امپریالیستی بر بخش عظیمی از تولید و توزیع در سطح جهان، حکم میرانند. برای تولیدات خود برنامه ریزی می‌کنند. دیگر تقسیم کار فقط در یک کارخانه نیست. کار در سطح جهان تقسیم شده است.

سنگ معدن از ایران استخراج میشود، در ژاپن به ترانزیت استور تبدیل میشود، ترانزستور در سنگاپور به شکل کامپیوتر در می‌آید و در اروپا و آمریکا و سراسر جهان به مصرف میرسد. گوشت در استرالیا میچرد. پشمش را انگلستان به پارساچند تبدیل میکند و پارچه اش را خیاط فرانسوی تبدیل و لباسش را همه توانگران می‌پوشند.

خلاصه اینکه هر کالای کثیرالصرفی را در نظر بگیرد خواهی دید که برای تولید آن، چگونه همه جهان باید بهم پیوندد بخورد و برای حفظ این پیوند چه تقسیم کار دقیق و چه برنامه ریزی منظمی لازم است. از حرکت منظم ناوگان های تجاری اقیانوس بیما گرفته تا ورود و خروج منظم مواد اولیه و قطعات ساخته شده، بکارخانه های کشورهای مختلف، از استخراج گاز و نفت به میزان مورد احتیاج در سطح جهان گرفته تا نقل و انتقالات گندم و مواد غذایی مصرفی به اقصی نقاط جهان، همه و همه خبر از این واقعیت میدهند که "کار" در سطح جهان تقسیم شده است.

همه کشورهای جهان برای ادامه حیات، نه حیات میمونی! بلکه حیاتی که بشر در قرن بیستم خلق کرده است، به یکدیگر نیازمندند، و بخش وسیعی از این تولید و توزیع در سطح جهان



دنباله تشکیلات مناسب ۰۰۰ از صفحه ۱

گرفت و بیکاری را وسیعاً گسترش داد. همراه با مبارزات قهرمانانه مردم، قیام پر شکوه بهمن ماه و اقدامات رژیم جمهوری اسلامی که بنیوه خود بر عقب و شدت بحران افزودند - بیکاری نیز بیش از پیش وسعت گرفت. وسعت بیکاری بیان حد است که حتی مقامات رژیم نیز مجبور به اعتراف به عقب و گسترده‌گی آن شدند. در سمینار مسائل اقتصادی که در بهمن ماه سال ۱۳۵۸ تشکیل شد یکی از کارشناسان شرکت‌کننده کمتر سمینار گفت که تعداد بیکاران در کشور بین ۲/۵ تا ۴ میلیون نفر تخمین زده میشود. رئیس کل بانک مرکزی نیز اخیراً، یعنی در تاریخ ۵۹/۵/۲۹ گفت که ۷۰۰ هزار الی یک میلیون نفر نیروی کار جوان ۱۸ ساله به بازار می‌آیند. کسی به این فکر نیست که برای اینها کار ایجاد کند و یک برنامه یا طرحی برای بیکاران بریزد. (به نقل از روزنامه انقلاب اسلامی)

خلاصه کنیم: بیکاری اکنون آنچنان ایجاد می‌پیدا کرده است و به آنچنان مسأله حادی تبدیل شده است که حتی ناآگاهترین و عقب‌مانده‌ترین کارگران را نیز نگران کرده و به فکر می‌اندازد.

۱- بحران اقتصادی جامعه در ادامه خود به بحران سیاسی و انقلابی تبدیل شده که در اولین موج خود، در قیام بهمن ماه، رژیم شاه را سرنگون و سلطنت را روانه زباله‌دان تاریخ کرد. اما مبارزات مردم طبرعم دستاوردهای درخشان نشد، نتوانست بحران سیاسی جامعه را بنفع کارگران و زحمتکشانشان حل کند و رژیم جمهوری اسلامی نیز که سوار بر موج مبارزات پر شکوه مردم بقدرت رسید برای خود رسالتی جز بازسازی نظام سرمایه داری تحت سلطه امپریالیسم شناخته و نوبت شناخت در چنین موقعیتی بر ممتن بحران سیاسی - اجتماعی - اقتصادی، بورژوازی - تحت حمایت رژیم شاه و رژیم جمهوری اسلام - میکوشید و میکوشد تا با بحران اقتصادی را بدوش کارگران و زحمتکشانشان انداخته و بقیمت فقر و فلاکت آنان این بحران را حل کند و کارگران و زحمتکشانشان نیز مقصود است کرد و و متقابلاً میکوشند تا بار بحران را بدوش سرمایه داران انداخته و باد رهم شکستن نظام سرمایه داری بحران را بسه شویوه انقلابی و بنفع خود حل کنند. این کشاکش و مبارزه به نتیجه نخواهد رسید مگر با پیروزی یا شکست انقلاب و اینکه حاکمیت سیاسی را در جامعه کدام طبقه بدست خواهد گرفت تا با تکان آن بحران اقتصادی را بنفع خود حل کند. بورژوازی یا کارگران و زحمتکشانشان؟

هم اکنون یا تشدید بحران سیاسی - اجتماعی - اقتصادی و او جگیری مبارزه بین طبقات، شرایط بیش از پیش برای رویاری نهایی بورژوازی و امپریالیسم از یکسو و کارگران و زحمتکشانشان از سوی دیگر آماده میشود.

۲- مبارزه کارگران بر زمینه بحران اقتصادی و سیاسی جامعه، روز بروز بیشتر اوج میگیرد. کارگران از قیام در سهای بسیاری آموخته اند، آنان در حال حاضر نه تنها در مقابل یورش بورژوازی به دستاوردهای خود بسادگی عقب نمینشینند بلکه هر تهاجم آن را با تهاجم متقابل پاسخ میکشند و همسر

روز خواستههای جدیدی را برای بهبود وضع زندگی و دخالت در تعیین سرنوشت خود - از افزایش دستمزد و ۰۰۰ تا خواست کنترل و نظارت بر امور کارخانه و دخالت در مدیریت و ۰۰۰ - مطرح و برای دستیابی بآن مبارزه میکنند و در جریان این مبارزه نیز در رسپهای باز هم جدیدی در جهت شناخت طبقات مختلف جامعه و منافع واقعی خود، در جهت شناخت رژیم حاکم، در جهت ارتقا مبارزه خرد و بکار گرفتن شیوه های تریستر و بالاتر مبارزه و در جهت اتحاد و تشکیل بیشتر خود می‌آموزند. کارگران هنوز نتوانسته اند تشکیلاتی تهیه کرده ای روسته و سازمانهای صنفی اقتصاد سیاسی واقعی و سراسری خود نظیر سندیکاهای اتحادیه ها، کانون ها و شوراهای کاری را در سطح وسیع بوجود آورده و تحکیم کنند. تشکیلات کارگران در سازمانهای مضررت خود به نسبت ظرفیت آنها در مبارزه کارگران بسیار غنا است، پیشروان طبقه کارگر و کمونیستها نتوانسته اند به وظایف خود در این زمینه بدرستی پاسخ دهند، با این توضیحات اکنون ببینیم تشکیلات مناسب مبارزه کارگران علیه بیکاری در شرایط کنونی کدام تشکیلات است؟

آیا "سندیکای کارگران بیکار" یا "سندیکای بیکاران" تشکیلات مناسبی برای مبارزه کارگران است؟

بنظر ما نه! اگر چه این درست است که کارگران بیکار از یکسو بدلیل فشار بیش از حد زنتگی و فقر و فلاکتی که بدان درگیرند و از سوی دیگر و مهمتر بدلیل وابستگی های گسترده و اینکه چیز کمتری دارند که از دست بدهند، از محافظه کاری کمتر و از انرژی، شور و پشتکار انقلابی بیشتری نسبت به کارگران شاغل برخوردارند، اما ایجاد تشکیلاتی مخصوص و جداگانه بیکاران، همیشه بنفع مبارزه کارگران و از جمله کارگران بیکار نیست و خطر رویارویی کارگران شاغل و بیکار را بدنبال دارد.

استفاده سرمایه داران از لشکر انبوه بیکاران برای سرکوب مبارزات کارگران شاغل، اخراج کارگران مبارزه، کاهش دستمزد و استثمار وحشیانه تر کارگران شاغل و ۰۰۰ و نیز گرایش های محافظه کارانه در بین کارگران شاغل، اینکه این کارگران، بیکاران را مسبب کاهش دستمزد خود تلقی کنند و ۰۰۰، همگی عوامل و زمینه هایی هستند که خطر سوء استفاده سرمایه داران و ایجاد آنان، تحریک کارگران شاغل علیه کارگران بیکار و رویارویی این دو بخش را افزایش میدهد. رویارویی ای که در همین جامعه خودمان و در همین شرایط کنونی شاهد نمونه های چندی از آن بوده ایم، نظیر حمله عدو ای از کارگران شاغل به "خانه کارگر" که عد تابوسیله کارگران بیکار اداره میشد و اشغال آن، درگیری بین کارگران بیکار و عدو ای از کارگران ناآگاه و فریب خورده و نیز عوامل سرمایه دار در -

۱۴ ←

\* در این مقاله، هر جا از سندیکا و اتحادیه صحبت میکنیم شوراها کنونی کارگران، کانونهای کاری و بنادرکسی همه تشکیلهایی که ذاتیت و محتوای اتحادیه ای دارند را نیز در نظر داریم.



دنباله تشکیلات مناسب ۰۰۰ از صفحه ۱۳

جلوی کارخانه ایران تاسیونال و ۰۰۰ ریاری ای که ناگزیر و الزاما بفتح سرمایه داری و سرمایه داران و بضرر کل کارگران خواهد بود .

علاوه بر این تنها اتحاد کارگران شاغل و بیکار و مبارزه متحدانه آنان علیه بیکاری و مصائب ناشی از آنست که میتواند نداین مبارزه را به جبهه ای از مبارزه طبقاتی کل کارگران علیه سرمایه داری، به جبهه ای از جبهه سراسری مبارزه طبقه کارگر علیه طبقه سرمایه دار و حکومت حامی آن تبدیل کند ، همچنین جدا کردن تشکل کارگران بیکار از کارگران شاغل سلاحی را که کارگران بیکار در مبارزه خود علیه برژوازی و دولت حامی آن میتوانند بکار برند ، محدود میکند و بویژه آنها را از یکی از مهمترین سلاحهای مبارزه کارگران یعنی اعتصاب محروم مینماید .

بنده آنچه را که در مورد "سند یکای کارگران بیکار" گفتیم در مورد "سند یکای بیکاران" یا شدت بیشتری صادقی است بعلاوه اینکه "سند یکای بیکاران" از تشکل ، موضع و مبارزه مستقل کارگران نیز حرکت نمی کند و کارگران را در تشکلی بدون هویت طبقاتی حل میکند و عملا مبارزه آنها را تحت الشعاع مبارزه بیکاران غیر کارگر قرار داده و نتایج آن میکند .  
خلاصه کنیم . اگر در شرایط طبیعی نظام سرمایه داری یعنی در شرایطی که این نظام دچار بحران نشده است ، می بایست نسبت به ایجاد تشکل های جداگانه کارگران بیکار با همیاری و وقت کامل عمل کرده و در صورت ایجاد چنین تشکل های در جهت پیوستگی آن با تشکل های کارگران شاغل بکوشیم ، در شرایطی که بحران سیاسی - اقتصادی - اجتماعی جامعه سرمایه داری را فراگرفته است و مبارزه بر سرکسب قدرت سیاسی می بایست در دستور کار قرار گیرد ، می بایست از ایجاد تشکل جداگانه کارگران بیکار اکتفا خودداری کنیم .

چرا که در چنین شرایطی همدستی و اتحاد طبقاتی کارگران برای مقابله با برژوازی مساله مرگ و زنده گی و هرگونه ریاوروسی میان بخشهای مختلف کارگران ، ضریات جبران ناپذیری به انقلاب و مبارزه طبقاتی کارگران و زحمتکشان وارد خواهد ساخت در چنین شرایطی ما باید بین از هم زمان دیکرویاتاکی می صد چند آن بر مبارزه مشترک و متحد کارگران و شاغل و بیکار پای بنشماریم . ما باید توضیح دهیم که بیکاری فقط مشکل بیکاران نبوده و تهدیدی دائمی برای کل طبقه کارگر ، اعم از شاغل و بیکار است . ما باید نشان دهیم که چگونه سرمایه داران بورژوازم سرمایه داری کارگران شاغل و بیکار را بر طبقه یکدیگر تحریک می کنند و سپاه بیکاران را دستاویزی برای سرکوب مبارزات کارگران شاغل و استثمار شدید آنان قرار میدهند و توضیح دهیم که تنها اتحاد کارگران شاغل و بیکار است که میتواند توسطه ها و سپاه

\* برای اشیاء صحت این مدعا کافی است که به نشریه "بیکاران" ارگان سراسری کانونها و شوراهای بیکاران کشور نگاه کنید . بیان ازیم و بیستم که چگونه این نشریه و تشکلهای فوق الذکر به ارگان و تشکل دبیلمه ها و فارغ التحصیلان بیکار تبدیل شده اند !

سپه ای تفرقه افکنانه سرمایه داران ورژیم را خنثی و سقوط کارگران را متشکل و یکپارچه کند . ما باید به کارگران بیکار گوشزد کنیم که آنان تنها به تنگای نیروی خود نمیتوانند سرمایه داران و دولت آنان را تحت فشار تعیین کنند های قرار دهند . ۰۰۰ ممکن است در پاسخ استدلالات ما و برای رفع همیاری که بسر شمرده ایم ، "سند یکای کارگران شاغل و بیکار" برای مبارزه علیه بیکاری پیشنهاد شود .

ما میگوئیم که اگر "سند یکای کارگران شاغل و بیکار" در شرایط طبیعی جامعه سرمایه داری ، شکل ممکن و مطلوبی برای مبارزه علیه بیکاری باشد ، در شرایط بحرانی ، چنین تشکلی به هیچوجه نمیتواند مبارزه میری را علیه بیکاری سازمان دهد . اما چرا ؟

میدانیم که سند یکاد ربهترین حالت خود کارگران یک رشته صنعتی مثلا "کارگران کارخانه اتومبیل سازی" ، کارگران کارخانه های ذوب فلز ، ۰۰۰ را متشکل میکند و بنابراین "سند یکای کارگران شاغل و بیکار" نیز از این خصوصیت برخوردار نخواهد بود . اما اگر در شرایط عادی ، مبارزات جداگانه کارگران کارخانه ها و بخشهای مختلف میتواند به نتایج حتی مهم و قابل توجهی منجر شود ، در شرایط بحرانی و انقلابی ، در شرایطی که جامعه سرمایه داری در بحران اقتصادی و سیاسی فرورفته است ، مبارزه جداگانه کارگران قسمتها و بخشهای مختلف ، تقریبا به کمترین نتیجه ای منجر نخواهد شد . چرا که در چنین شرایطی کارگران در هیچ جنبه سرمایه داران را رنمفرد زویرو نخواهد بود بلکه در همه جا با طبقه سرمایه دار و دولت آنها رنمفرد یند و حامی آن روند رروخواهند شد و بدینوسیله است که در این حالت تنها مبارزه متحد کل طبقه کارگر میتواند نتایج مهم و قابل توجهی برای آنان بیار آورد .

اجازه بد مید این مساله را با مثالهایی از همین جامعه خودمان و از همین شرایط کنونی ثابت کنیم :

اگر تاد روز کارگران کارخانه های مختلف برای بالا بردن رنمفرد از سود ویژه خود تنها با سرمایه داران کارخانه خود طرف بودند و تنها در شرایطی که مبارزه آنان با لامیکرفت راند رمی ، ساواک و ۰۰۰ یعنی ارگانهای سرکوب رژیم شاه خائن دخالت میکردند ، ما امروز رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی ، مقدارسود ویژه را برای تمام کارگران و بایک تصویبانه از نالات تعیین میکند . اگر قبلا "کارگران مبارز بیوسیه این یا آن سرمایه دار خارج میشدند ، امروزه هیئتهای پاکسازی که از طرف دولت سرمایه داری تعیین و به کارخانه ها اعزام میشوند ، تکلیف کارگران را روشن میکنند .

در طی یکسال و نیم گذشته ، کارگران کارخانه های بسیاری برای برقراری چهل ساعت کار در هفته مبارزه کردند و تعداد زیادی از کارخانه ها ، کارگران چهل ساعت کار در هفته را اجرا کرد فاند ، ولی "شورای انقلاب" با تصویب یک قانون و بسا تعیین یک ساعت کار در هفته و لغو تعطیل پنجشنبه ، تکلیف مبارزه کارگران و اینرا که این مبارزه بکدام سمت باید جهتگیری شود ، روشن میکنند .



دنیاله تشکیلات مناسب ۰۰۰ از صفحه ۱۴

از پیش از تیانم و بعد از آن کارگران برای تشکیل سند بیکاری واقعی کارگری، شوراهای مشکل از نمایندگان واقعی کارگران و بطور کلی تشکلهای کارگری مدافع حقوق خود کوششها و مبارزات بسیاری کردند و در این میان کارخانه‌ها و ریسواری جاهل به این کار مؤثر نیز شدند، ولی تکلیف تشکلهای واقعی کارگری ان را نیز "شورای انقلاب جمهوری اسلامی" تعیین کرده است. شورای نماینده سرمایه‌داران، شوراهای و تشکلهای کارگری را منحل اعلام کرده و دستور داده است که شوراهای جدید را از روی قانونی که خودشان تصویب کرده‌اند، تشکیل دهند که البته این شوراهای هم چیزی نیستند جز شورای سازش بین کارگران و سرمایه‌داران. با این مثالها فکر نکنیم مساله باندازه کافی روشن شده باشد و ثابت کردیم که سند بیکاری کارگران شاغل و بیکار نمیتواند اقدام مؤثری برای تخفیف مساله بیکاری و کمک به بیکاران صورت دهند.

ممکن است باز هم کسانی بگویند: "اینها که میگویند درست است ولی این نقش را هم با سانس مبتزان رنج کرد، چاره‌اش هم اینست که سند بیکاری شاغل و بیکار را اتحادیه‌ها و سند بیکاری سراسری کارگری و تشکل کنیم."

پاسخ ما به چنین کسانی این خواهد بود که شما گویا در این جامعه زندگی نمیکنید و شرایط اقتصادی و سیاسی جامعه، مبارزات طبقه کارگر و ضعفها و مشکلات آنرا نمی بینید. اگر طبقه کارگران نتوانستند سند بیکاری و اتحادیه‌های خود را حداقل در رشته‌های صنعتی مختلف متحد کرده و بوجود آورند، و اگر کارگران بیکار در همین سند بیکاری و اتحادیه‌ها واحد اقل در تشکلهای سراسری کارگران بیکار متشکل شده بودند، آنگاه چنین راه حلی، یعنی تشکیل اتحادیه‌ها و سند بیکاری سراسری کارگران شاغل و بیکار شاید میتوانست راه حل مفید و محلولی باشد. اما این واقعیت از روز روشنتر است که طبقه کارگران ایران بدلائل مختلف نتوانسته است تشکلهای واقعی سراسری خود را بوجود آورد.

بعلاوه در شرایط بحران حاد شونده سیاسی - اجتماعی اقتصادی امروز، در شرایطی که سرعت بسوی سرفصل تعیین کننده دیگری در مبارزه بین کارگران و حکومتشان از یکسو و بیرونی از سوی دیگری میسر میسریم، در شرایطی که مبارزه کارگری آن هر روز بیشتر از روز پیش اوج میگیرد، گسترش پیدا میکنند و عقب می‌مانند. در شرایطی که ظرفیت انقلابی مبارزه کارگران بسیار نرا ترا زحد شیوه‌هایی که کار میگیرند و تشکل آنان قرار دارد، به درجه‌های شرایطی و وظیفه‌ها این نیست که تنها به ایجاد سازمانهای اتحادیه‌ای در کارخانه‌ها، بهم پیوستن آنها در سند بیکاری و اتحادیه‌های صنعتی و متحد کردن این سند بیکاری و اتحادیه‌ها در سند بیکاری سراسری اکتفا کنیم. در چنین شرایطی وظیفه‌ها این نیست که تنها از همان شیوه‌های کام بگام و محتاطانه‌ای استفاده کنیم که استفاده از آنها در شرایط کارکرد عادی نظام سرمایه‌داری، مفید، مطلوب و حتی ناگزیر است. در چنین شرایطی ظرفیت انقلابی مبارزه کارگران با اجازه میدهند که انقلابی‌ترین شیوه‌ها را برای بسیج و تشکل طبقه کارگر بکار

بندیم و مانع نباید از کارگری انقلابی‌ترین شیوه‌ها را سوسی بخود راه دهیم.

در موقعیت کنونی، یعنی در حالی که با بحران حاد سیاسی - اجتماعی - اقتصادی و مبارزه اوچگیرنده کارگران از یکسو و ضعف تشکل کارگران از سوی دیگر روبرو هستیم، می‌بایست با تکیه بر مبرمترین و حادترین مسائل و مشکلات، وسیعترین توده‌های طبقه کارگر، با تکیه بر مسائلی که امکان آشکار کردن ظرفیت انقلابی کارگران را به بهترین وجهی درآراهند به بسیج و تشکل کارگران دست زد و به ایجاد و تشکل تشکلهای سراسری و طبقاتی آنان یاری رساند.

اما بر طبق آنچه در ابتدا می‌گفتیم، این مقاله بر شمرده بیکاری گسترده بر متن بحران اقتصادی و سیاسی عمیق شونده، خطر اخراج کارگران مبارز، خطر بسته شدن کارخانه‌ها و بیکار شدن توده‌های بازهم وسیعتری از کارگران و ... از جمله همین مسائل مبرم و حاد به شمار می‌آیند. در چنین شرایطی، با وضعیت فعلی تشکل طبقه کارگر و مبرم و حاد بودن مساله بیکاری، نمیتوان و نباید تنها از طریق تشکل سند بیکاری و اتحادیه‌ها به مبارزه با بیکاری دست زد. نمیتوان و نباید به مساله مبارزه با بیکاری تنها به عنوان یکی از وظایف عادی سند بیکاری و اتحادیه‌ها و هم‌طور سایر وظایف آنها، ترجمه کرد. این مساله آنچنان حاد و مبرم است که باید بیدار ماند مبارزه مؤثری را علیه آن سازمان داد. این مبارزه و بسیج و تشکل کارگران برای مبارزه علیه بیکاری را نه تنها نباید به تشکل سند بیکاری و اتحادیه‌ها موقوف کرد بلکه می‌بایست با تکیه بر مبارزه علیه بیکاری به‌طور مستقلاً برای بسیج و تشکل کارگران، با بسیج کارگران برای مبارزه علیه بیکاری و تشکل کردن آنان در این مبارزه به گسترده‌تر شدن تشکلهای سند بیکاری و اتحادیه‌ها و به تحکیم و تقویت آنان یاری رسانیم. بعلاوه و مهمتر اینکه مساله بیکاری هم اکنون برای توده‌های وسیع طبقه کارگر به آنچنان مساله حاد و مبرمی تبدیل شده است که میتواند به عنوان اهرمی قدرتمند برای آموزش چگونگی کارکرد نظام سرمایه‌داری. حتی به عقب‌ماندترین توده‌های طبقه کارگر، به وسیله‌های مؤثر برای تبلیغ ضرورت نابودی نظام سرمایه‌داری و برپایی سوسیالیسم بطور عام و افشا و سرنگونی رژیم حاکم بطور اخص، به اهرمی برای آموزش ضروری و جدت طبقاتی کارگران، ضرورت تشکیل حزب مستقل و طبقاتی کارگران و تربیت پرولتاریای انقلابی مورد استفاده قرار گیرد.

ما باید بتوانیم و میتوانیم با بسیج و تشکل کارگران، اعم از شاغل و بیکار در محول مبارزه علیه بیکاری، نه تنها به مبارزه مؤثر علیه بیکاری دست زنیم بلکه به آموزش و جدت طبقاتی کارگران و به امر ایجاد، تحکیم و تقویت تشکل سراسری و طبقاتی وسیعترین توده‌های کارگران نیز یاری رسانیم.

بر اساس این امکان و توانایی است که ما تشکل "اتحاد کارگری علیه بیکاری"، تشکل سازمانی رزمند و تشکلهای متشکل از کارگران شاغل و بیکار را برای مبارزه علیه بیکاری، برای مبارزه علیه اخراج کارگران، برای مبارزه جهت جلوگیری از



دنباله سرمقاله از صفحه ۱

از طرف دیگر برادران و خواهران کارگرواد رسارسرجهان، درست مانند ما، با مساله بیکاری وسیعاً دست یگیرینند. کسانی که بزرگنهای خارجی آشنائی دارند، اخبار مربوط به پیشروی کارگران راد رسایر نقاط جهان، از کارگران ایران مفایده نکنند. با آماد مایم که آنها را منتشر کنیم.

۲- گزارش

گزارش از اوضاع و احوال زندگی کارگران و زحمتکشان و تاثیر بیکاری بر حیات و معاش آنها برای ما بسیار د یقیمت است. ایجاد غیر قابل تحمل بیکاری و فشار کمزگی آن همیشه خود را بیه صورت شکایت از بیکاری بروز نمیدهد. طلاق، ازهم پاشیدن خانواده، روی آوری به اعتیاد، فحشاء، خودکشی، قتل، دزدی و الخ، همگی بوسیله بیکاری و حشمتاکی که وجود دارد افزایش یافته اند. گزارشاتی که بتوانند پرده از روی خفتی که این بیکاری وسیع به ما تحمیل کرده است، بردارند بید رنگ در نشریه "علیه بیکاری" منتشر خواهند شد. و به ما برای اثبات مبرم بودن برداختن به این مساله همه نیروهای رزمند همصوم کارگران شاغل مدد بسیار خواهد رسانند.

۳- اسناد و مدارک افشاگرانه

اسناد و مدارک افشاگرانه از اقدامات رژیم در مقابله با کارگران و زحمتکشان بخصوص در رابطه با بیکاری و اخراج راتیهه کنید و بدست ما برسانید. بخشنامه‌هایی که در ولت در رابطه با محیطهای کار میدهد، اسناد مربوط به پاکسازی کارگران، اسناد مربوط به تفتیش عقاید و اخراجهای سیاسی و... همه و همه بسیار کارهای آیند.

۴- نامه‌ها و درد دل‌های کارگران

حرفهای کارگران و زحمتکشان چه از مشکلات و چه از اوضاع و احوال کارشان برای ما بسیار شنیدنی هستند اما قرار نیست همه آنها را منتشر کنیم، آنها کمک بسیاری به شناخت ما از اوضاع و احوال کارگران و زحمتکشان و دنیا نشان میکنند. این کارها "محتفل است که در شرایط خاص عریضه‌های کارگران و زحمتکشان را که به ویژه وکلای مینویسند و بایستی توجهی مواجهه میشوند با رضایت خودشان در سطح وسیع منتشر کنیم. این با شماست نه شرایطی راد محیط فعالیت خود فراهم کنید که کارگران احساس کنند که "علیه بیکاری" تریبونسی است قابل دسترسی و استفاده آنها، اصلاً ارتباط آنها را با ما برقرار کنید، با آنها بنویسند که هر صفحه از "علیه بیکاری" مکانی است برای انتشار اعلام جرمها و کفرخواستهای آنان بر علیه سرمایه داران و ولت حامیشان و کل نظام سرمایه داری.

۵- مقالات

شما قبلاً از مضمون بحثهای "علیه بیکاری" در آینده، بسیار خبر شد هاید. نوشتن انتقاد نسبت به مواضع گروهها، سازمانها و تشکلهای دیگر در رابطه با مساله بیکاری، تدوین متن ترویجی برای جلاندن اختن نقد نظرات "علیه بیکاری" در بین کارگران، کارها از عهد شما نیز میآید، مقالات خود را برای ما بفرستید.

۶- گزارش از مصاحبه با کارگران پیشرو

از کارگران مبارز و پیشرو در مورد بیکاری، راههای مقابله با آن، مکان کارگران شاغل در مبارزه علیه بیکاری، موانع در خالت فعال آنان در این مبارزه، مدد های که بیکاری به زندگی و مبارزات آنها وارد کرده است و نقطه نظرات "علیه بیکاری" نظرخواهی کنید و با توافق و اطلاع آنها متن این مصاحبه‌ها را برای ما بفرستید. اگر شما بتوانید با رهبران کارگران در کارخانه‌ها و تشکل های کارگری، فعالین عرصه بیکاری و بویژه با آنها که سمت گیری سیاسی مشخص دارند به گفتگو و بنشینید و بخصوص اگر موفق شوید در عین گفتگو آنان را متقاعد کنید که در عوت کمیته ایجاد را برای ایجاد یک سازمان تود های رزمند کارگری علیه بیکاری بپذیرند، متن گزارش شما از این گفتگوها متن گرانبهایی است که حتماً باید در اختیار همگان قرار گیرد (باز هم تاکید میکنیم با توافق و اطلاع شخص صاحب حبه شونده).

د- کمک مالی

لازم به تذکر نیست که مضیقه مالی، مشکل همه نیروهای است که در راه آرمان و پیشبرد اهداف طبقه کارگر مبارزه میکنند. از آنجا که طرفداران ما را تا به آخر عددتسا کسانی تشکیل میدهند که هشتشان گروه شان است، لذا مساله جلب کمکهای مالی به نشریه و سازماندهی این کمک رسانی اهمیت زیادی کسب میکند. ما با همان اشتیاقی که در ستان را برای گرفتن یک اعلامیه در روز می کنیم و بهمان اندازه که نگران از دست رفتن یک ورق اعلامیه هستیم، مشتاق کمکهای پنج قرانی و ده قرانی کارگران و زحمتکشان آناه بوده و به آن ارجح مینهیم.

ه- تبلیغ برای "علیه بیکاری"

در شرایط فعلی لازمست که "علیه بیکاری" در سطح وسیع معرفی شود و همگان از وجودش باخبر گردند. این تبلیغات وظیفه شماست که میتواند به انحاء مختلف، شفاهی، از طریق بخش تراکت ویا برگردن در و دیوار شهر از "علیه بیکاری" بخوانید و... انجام گیرد.

و- سازماندهی طرفداران "علیه بیکاری"

اگر کسانی در محیطه کار شما هستند که حاضر باشند نیروی صرف "علیه بیکاری" نمایند آنها را در ارتباط با هم قرار دهید و بشکلی سازمان یافته وظایفی را که در قبائل آن احساس میکنید به انجام برسانید و حتی المقدور هر چه سریعتر با "علیه بیکاری" ارتباط مستمر برقرار نائید.

۱- حرکت در جهت پیشبرد اهدافی که "کمیته ایجاد" و "علیه بیکاری" اعلام کرده اند.

۲- قیلاً "گفته ایم که شرط موفقیت ما، جلب موافقت و حمایت سازمانهای کارگری، گروهها و سازمانهای مترقی، انقلابی و کمونیست است. اگر در این مورد هم با ما موافق باشید وظایف معینی بعهده شما قرار میگیرد. در حال حاضر اهم این



دنباله سر مقاله از صفحه ۱۶

وظایف تلاش در جهت متقاعد کردن این سازمانها و گروههاست برای همکاری بمنظور ایجاد " اتحاد کارگری علیه بیکاری " برای انجام این وظیفه باید در سطح فعالیت کنیید :

- ۱- اعمال فشار مستقیم بر روی سازمانها و تشکلهای
- ۲- اعمال فشار غیر مستقیم بر سازمانها و تشکلهای از طریق جلب حمایت توده ها و نشان دادن آمادگی آنان برای اتحاد در یک سازمان رزمنده کارگری

۱- فشار مستقیم بر روی سازمانها و تشکلهای

در جلسات کانونها، شوراهای اتحادیه ها منظم " شرکت کنید و ایده هایی را که کمیته ایجاد از طریق تشریح " علیه بیکاری " طرح میکند، رواج دهید \* با هر عقیده ای که بیکاری را معضل کارگران و زحمتکشان را در رگرو مبارزه سازمان یافته و آگاهانه آنان نمیداند، بشدت مبارزه کنید، و تلاش کنید که حمایت این تشکلهای را برای دفاع از بیکاران زندهایا " حمایت از ایجاد " اتحاد کارگری علیه بیکاری " جلب نمائید \* بهمین ترتیب در داخل سازمانهایی که با آنها کار میکنید، با حفظ کامل انضباط، از تمامی امکاناتی که در موکراسی درون سازمانی در اختیار شما قرار داده است، بمنظور اوار کردن سلسله زمان به موضع نبردی مثبت، نسبت به تشکیل " اتحاد کارگری علیه بیکاری " استفاده کنید \* در صورت مخالفت شوریه شده سازمان متبوعتان یا تر تشکیل " اتحاد کارگری علیه بیکاری " و انحرافی و غلط ارزیابی کردن آن، مصرا " از سازمان اظهار عینی آنرا در سطح جنبش خواستار شوید \* بنظر ما این توجیهی و سکوت سازمانها نسبت به آنچه " علیه بیکاری " طرح کرده است را تنها با فرصت طلبی آنان و عدم احساس مسئولیتشان در مقابل کارگران میتوان توضیح داد \*

۲- اعمال فشار غیر مستقیم بر سازمانها و تشکلهای

به این منظور باید وسیعا " تبلیغات توده ای را در دستور قرار داد و آنرا سازمان یافته به پیش برد \* محتوای تبلیغات شما باید ضرورت متحد شدن کارگران را در یک سازمان توده ای و رزمنده که محل مساله بیکاری و معیشت بیکاران را با انگار " به نیروی خود کارگران در دستور قرار دهد، نشان دهد \* باید تاکید زیادی بر تشریح در میان کارگران شاغل گذاشت، در حال حاضر موارد بسیاری وجود دارد که ما با بهره نیری از آنها میتوانیم ضرورت حمایت و تدانی کارگران شاغل را در دفاع از بیکاران و مقابله با مساله بیکاری با ثبات برسانیم \*

آنجا که کارگران زیر فشار قرار گرفته اند تا بجای ۴۰ ساعت ۴۴ یا ۴۸ ساعت کار کنند، کارگران باید خواستار استناد ام بیکاران بجای افزایش ساعات کار باشند \*

آنجا که کارگران با مساله اخراج مواجهند، بخوبی میتوان ضرورت " اتحاد کارگری علیه بیکاری " را با آنان اثبات کرد، آنجا که کارگران از گرانی مایحتاج و کمبود دستمزدشان می نالند، با آسانی میتوان فلاکت کارگران بیکار را با آنان گوشزد کرد و آنان را متقاعد نمود که مطالبات را بنفع بیکاران، از قبیل بیمه

بیکاری و خدمات مجانی را طرح کنند \* باید به آنها اطمینان داد که کارگران شاغل به اتحاد خود با کارگران بیکار میتوانند و باید خرج خویشاوندان بیکارشان را که بگرد آنها سنگینی میکند به سرمایه داران و دولت آنها تحمیل کنند \* آنجا که کارگران بیکار دست به اعتراض زدند، آنجا که در جلو " مجلس " باین توجیهی مواجه میشوند و قس طعنهها \* براحتی میتوان به آنها ثابت کرد که ابتدا باید دست اتحاد خود را بطرف کارگران شاغل دراز کنند و آنزمان از مجلس چیزی بخوانند که سمبشان برزور باشند \*

خلاصه اینکه شرایط برای انجام وسیعترین تبلیغات توده ای در بین کارگران بسیار مساعد است \* شما موظفید از هر طریق که میتوانید از جمله از طریق زیر این کار تبلیغی وسیع را به پیش ببرید :

- ۱- سازماندهی شرکت در مبارزات علیه کارگران (تلاش در جهت دادن مبارزه شاغلین در دفاع از بیکاران و بالعکس)
- ۲- تهیه و پخش اعلامیه های موضعی در محلات کارخانه ها و غیره و اثبات ضرورت اتحاد کارگران علیه بیکاری در پیوند با مسائل عینی محل مانند فقر، گرانی، بیکاری، اخراج ...
- ۳- تبلیغ شفاهی در هر جا که محل تجمع کارگران باشند \*
- ۴- تهیه درشت نویسی ها (اوزالید) و نصب آنها در محلات کارگری
- ۵- .....

ما مطمئنیم که اگر کارگران و زحمتکشان خودشان هم مایل نباشند، فشاری که بیکاری بر آنها وارد میکند بسرعت آنها را به طرفداران پروپاقرص تشکیل " اتحاد کارگری علیه بیکاری " تبدیل خواهد کرد، ما از یک طرف سعی میکنیم این حمایت را به فشاری در جهت وادار ساختن تشکلهای کارگری و انقلابی به اختصاص نیرو و حرکت در جهت این " اتحاد " تبدیل سازیم \* از طرف دیگر این تبلیغات توده ای در طول زمان این امکان را فراهم میکند که خود " کمیته ایجاد " بیکار تشریح اس، حتی در غیاب حمایت سازمانها از طریق سازماندهی آکسیونهای توده ای در راه اهداف خود مبارزه کند \* بنابراین این کار توده ای اهمیت دو چندان خواهد داشت \*

لازم به تذکر است که برای پیشبرد اهدافمان ابتکارات و نظرات شخصی شما میتواند راه هایی را به ما نشان دهد که شاید عقل ما به آسانی به آنها نرسد، هیچگونه راهنمایی و تذکری را از ما منایقه نکنید \*

در خاتمه برای اینکه قصد " اعمال فشار " بر سازمانها به توسطه گری علیه آنها تعبیر نشود سخنی با همه سازمانهای رزمنده بخصوص سازمانهای انقلابی و کمونیست داریم \*

ما از همه سازمانهای رزمنده، انقلابی و کمونیست در جهت منافع کارگران حرکت میکنند استد عام میکنیم که اثر به وجود میلیونها کارگر بیکار در جامعه ما اذعان دارند، اگر بیکاری را عامل تباهی فیزیکی و روحی کارگران میدانند، اگر بیکاری را مساله حادی برای همه کارگران ارزیابی و اگر به منافع کل طبقه می اندیشند، با صدای بلند در سطح جنبش به این سؤال



دنباله درباره شعار ۰۰۰ از صفحه ۴

کاری است که رژیم جمهوری اسلامی همراه با بکار گرفتن تمامی امکانات خود در تلاش انجام دادن آنست.

اما "شعار" چه میگوید: از دولت میخواهند که بسد وین "سرمایه امپریالیستی" کار ایجاد کند، یعنی "سرمایه امپریالیستی" را از عرصه سرمایه‌داری ایران حذف کند.

درخواست از دولت سرمایه‌داری برای جلوگیری از کارکرد "سرمایه امپریالیستی" مثل آنست که از آنکه بروی شاخصه نهفته است بخواهیم که بکش را ببرد.

شاید مدعیان "شعار" نیز اینرا بدانند و به همین خاطر است که تعیین ماهیت دولت را که باید کار را در چنین شرایط منحصی ایجاد کند به فراموشی می سپارند و به طرح‌بند درخواست فیرمکن از دولت سرمایه‌داری میپردازند.

کارگران خواهان ایجاد کار هستند \* اما به کف آوردن این خواسته به معنی در هم شکستن نظام سرمایه‌داری نیست.

نابودی امپریالیسم نیست، این خواستی است که پاسخ بان در چهار چوب نظام سرمایه‌داری ولی فراتر از توان دولت سرمایه‌داری میسر است و کارگران ایران آنرا به درخواست از دولت سرمایه‌داری محدود نمیکنند بلکه با تکیه به نیروی کارگران با پیش‌بردن مبارزاتی عملی خواسته‌های خود را به دولت سرمایه‌داری تحمیل میکنند \* همینجاست که "شعار" بجسای پیش‌بردن مبارزاتی که بتوانند در خدمت نابودی امپریالیسم و سرمایه‌داری باشد خود را به مطالبه خواست موهوم‌مسی از دولت سرمایه‌داری محدود میکند \* راه دادن هر گونه توهم به حدی که دولت کنونی توان آنرا دارد که سرمایه‌داری را بسز اندازد خیال خامی بیش نیست؛ خیالی که هر روزه با خسون انقلابیون، کارگران، زحمتکشان و کوهنشینها با سفاکی‌های رژیم جمهوری اسلامی چاره‌ای جز رنگ باختن ندارد.

در اینجا روشن است که "شعار" در مبارزات کارگران بسز علیه دولت سرمایه‌داری چیزی جز گیجی و انحراف در مطالبات جنبش‌کارگری وارد نمیسازد.

اکنون که مضمون واقعی "شعار" در خطاب خود به کارگران و دولت روشن شده، ممکن است خوانندگان مقاله بپرسند که خب! شرایطی که شما برای ایجاد کار میطلبید چه شرایطی است و شما هدف مبارزه ضد امپریالیستی ضد سرمایه‌داری کارگران را در مبارزه برای ایجاد کار چگونه تعقیب میکنید.

ما در پاسخ میگوئیم:

اولا - مبارزه برای ایجاد کار در چارچوب نظام سرمایه‌داری مطرح میشود \* و بلاواسطه مبارزه در راه نابودی سرمایه‌داری و امپریالیسم نیست. ایجاد کار و تامین معیشت بیکاران در نظام سرمایه‌داری قابل تحقق است.

ثانیا - این تنها نیروی متشکل و سازمان یافته کارگران است که میتواند مبارزه در راه تامین خواسته‌هایشان را به پیش‌برد و بالاخره مبارزه برای ایجاد کار در عین اینکه مبارزاتی بسز برای کسب بیشترین امکانات برای ارتقا سطح معیشت کارگران

میباشد، آن هنگامی در خدمت مبارزه ضد امپریالیستی کارگران است که بتواند به مبارزه سیاسی پرولتاریا در سرنگونی حاکمیت امپریالیسم یاری رساند و شرایط سرنگونی بورژوازی از قدرت سیاسی را تسهیل نماید \* بنا بر این تعیین شرایط کسب اشتغال کارگران بوسیله سازمانهای کارگری تنها شعار صحیح در مبارزه برای ایجاد کار است.

این تنها سازمانهای کارگری هستند که میتوانند با متشکل کردن کارگران با دفاع از خواسته‌های کارگران برای بهبود شرایط کار، با تحمیل خواسته‌های کارگران بر دولت، ضامن استمرار مبارزه کارگران بر علیه سرمایه‌داری و امپریالیسم باشند.

ما هم کار را در شرایط معینی میخواهیم، اما این شرایط سبک و سنگین کردن سرمایه‌ها بر حسب "امپریالیستی" یا غیر "امپریالیستی" بود نشان نیست \* میتوانیم برای بزرگترین انحصارات امپریالیستی کار کنیم در حالیکه در همان حال برای نابودی سرمایه‌داری و امپریالیسم، برای کسب بیشترین امکانات و برای تسهیل این مبارزه آنچه را که میخواهیم به این سرمایه‌ها تحمیل کنیم.

شرایطی که سازمانهای کارگری ام از شوراهای مندم بکاها و ۰۰۰۰ و بالاخره در آینده "اتحاد کارگری علیه بیکاری" برای ایجاد کار، برای تخفیف شرایط فلاکت‌بار استثمار امپریالیستی تعیین و به دولت سرمایه‌داری تحمیل میکنند و متشکل کارگران در این سازمانها خود به مبارزه سیاسی پرولتاریا برای در هم شکستن سلطه امپریالیسم یاری میرسانند

دنباله تشکیلات مناسب ۰۰۰ از صفحه ۱۵

بسته شدن کارخانه‌ها و بیکار شدن توده‌های بازمه و بسجتر کارگران، برای تامین زندگی و معیشت کارگران بیکار و بسز برای ایجاد کار با شرایط مناسب و مهمتر از آن برای آموزش پرولتاریای انقلابی و پیشبرد امروحدت ضبقاتی کارگران پیشنهاد کردیم.

در شماره‌های آینده می‌کشیم تا شعارها، اشکال و نشیوه‌های مبارزه کارگران علیه بیکاری، شعارها، اشکال و نشیوه‌های مبارزاتی که "اتحاد کارگری علیه بیکاری" باید بکارگیرد، مورد بحث و بررسی قرار دهیم

بسرقرار بساد

"اتحاد کارگری علیه بیکاری"



علیه بیکاری به کمک مالی شما نیازمند است



دنیایه در سبائی از ۰۰۰ از صفحه ۶

دوم اینکه آنچه که حداقل باند از تنظیم درست خواستها  
 مبارزه و اهداف مبارزه اهمیت دارد چگونگی و راه دستیابی  
 به خواستها، تحقق شعارها و رسیدن به اهداف مبارزه  
 است و اینکه آیا برای دستیابی به یک خواست و رسیدن به  
 هدف به چه وسایلی متوسل شده و بر چه چیزی تکیه میکنیم  
 اینده برای دستیابی به خواستها خود به نیرو و احساس  
 کارگران تکیه میکنیم، راه مبارزه پی کبر و سازش ناپذیر راد ریش  
 میگیریم و سلاح عمل مستقیم و انقلابی کارگران را بکار میگیریم  
 یا اینکه نه، بالعکس راه مطالبه از دولت سرمایه داری، عرضه  
 نیسی به بنی صدر و دفتر امام و راهپیمایی به جلوی مجلس  
 و تظلم خواهی از نمایندگان مجلس و ۰۰۰ را در پیش  
 میگیریم، باند از تعیین اهداف خود مبارزه و خواستهای آن  
 و ۰۰۰ اهمیت دارد و بویژه در همین قسمت است که  
 نماینده مذکور و سایر نمایندگان حاضر نیستند حتی گاهی به  
 پیش برد ارت و از شیوههای لیبرالی و فریستی مبارزه و از  
 عرضه نیسی و تظلم خواهی حتی اندکی فراتر روند و به نیز  
 وی اتحاد، تشکل و مبارزه کارگران تکیه کنند.

پس از پایان سخنان "نمایند" اول، نماینده دیگری شری  
 وع به صحبت میکند، این یکی هم بدین روی ریاستی از موضع  
 خیر خواهد برای بورژوازی و دولت بورژوازی صحبت میکند:  
 "ناراضی تتراشید اگر میخواهید با پالیزیان بجنگید سرسخ  
 اینجاست، بیکاران گریسته به استخدام پالیزیان در می آید،  
 اگر بیکاری را از بین ببرید دیگر این مشکلات را ندارید. ما  
 سرسخ را بشما نشان دادیم!"

عجبا! آقای "نمایند"، شما نماینده کارگران هستید یا نماینده  
 بورژوازی؟ اگر مدعی هستید که نماینده کارگرانید - کمحتمسا  
 حسین ادعای دارد - آنوقت ما میرسیم آیا شما باید از موضع  
 منافع کارگران حرکت کنید و حل مسائل و معضلات آنان را بر ای  
 پیشبرد منافع آنان طلب کنید یا اینکه باید از منافع بورژوازی و از  
 موضع خیر خواهی نسبت به حرکت کنید و از این ناراحت باشید  
 که عدم حل فلان یا بهمان مساله، موجب بالا رفتن مبارزه کار  
 گران و خطر برای بورژوازی میشود؟ کدامیک؟ ما از شما -  
 برسیم اگر دولت کنونی نتوانست کاری برای کارگران انجام دهد  
 و بشمول شما ناراضی تتراشی کرد - که  
 البته ما بر کس شما در این مورد هیچگونه توهمی نداریم  
 و فکر میکنیم که این دولت بجز فریب و سرکوب و در نتیجه  
 "ناراضی تتراشی" کار دیگری نمیکند، نمیخواهد و نمیتواند  
 بگردد - وظیفه شما بعنوان یک کارگر "پیشرو" و "نمایند" کارگران  
 چیست؟ آیا وظیفه شما بعنوان یک کارگر "پیشرو" اینست که به  
 بورژوازی و دولت بورژوازی هشدار بدهید و چون این دولت  
 نمیتواند به هشدار شما توجه کند و شما هم راه دیگری  
 به کارگران نشان نداده اید، عمل رفتن بدنیال پالیزیان را تو  
 جیکرده و کارگران را بر زیر بال و پر این دار و دسته ارتجاعی  
 بکشاند؟ یا اینکه نه، وظیفه شما بعنوان یک کارگر پیشرو اینست  
 که با استفاده از ناراضی تتراشی دولت بورژوازی با متشکسل  
 و آگاه کردن کارگران و ارتقاء مبارزه آنان و با نشان دادن راه

انقلاب به کارگران و زحمتکشان آنان را برای مبارزه علیه هر دو  
 ضد انقلاب، برای مبارزه هم علیه رژیم جمهوری اسلامی و هم  
 باند بختیار - اوسی - پالیزیان و ۰۰۰ بسیج کنید؟ برآستی  
 وظیفه شما چیست؟ سرسخ نشان دادن به بورژوازی یا بسیج  
 مستقل کارگران و زحمتکشان؟

ما دیگر در مورد نکات دیگر سخنان شما، طلب اینکه بورژوا  
 ازی بیکاری را از بین ببرد، پرد و پوشی کردن اینکه رژیم جم  
 ری اسلامی چرا با پالیزیان و ۰۰۰ میجنگد و خصلت ارتجاعی  
 و ضد انقلابی این جند از هر دو سو و ۰۰۰ چیزی نمیکوئیم  
 پس از سخنان این نماینده، چون کم عوض میشود و جریان  
 مبارزه از دست نمایندگان "نمایند" که جو کم عوض میشود و جریان  
 بلافاصله پس از سخنان "نمایند" دوم، فردی که بقول خودش  
 دیبلمه و دکه دار خیابان صدق است میگوید: "من این حرفها  
 سرم نمیشود این دولت هیچ جواب بد رستی بمانده و ما  
 اگر امروز نمایندگان مجلس جوابی ندهند (و باید اضافه میکرد  
 که مطمئنا هم جوابی نخواهند داد) باید فکر دیگری  
 بکنیم" ۰۰۰۰۰

بله! چنین حرفهایی، "حرف چنین نمایندگان" برای کار  
 رگران قابل قبول نیست چرا که با منافع آنان قرابتی ندارد  
 دولت به کارگران جواب بد رستی نداد است و اگر نمایندگان  
 هنوز از این امامزاده انتظار معجزه دارند کارگران دیگر چنین  
 انتظاری ندارند و بنا بر این میخواهند که فکر دیگری بکنند  
 بله فکر دیگری کارگران، غیرممانعت های نمایندگان طبر  
 سد هائی که آنان در راه مبارزه کارگران ایجاد میکنند و توها  
 تی که دامن میزنند، در جریان مبارزه شان به فکر دیگری  
 رسند و میخواهند که راه دیگری در پیش گرفته شود.

یک ساعت بعد وقتی در جواب سؤال ما اینجاست نظر کنی هستیم  
 جواب میدهد که "ما اطلاع دادیم که یکی از نمایندگان  
 مجلس بیاید و صحبت کند و مشکلات ما رسیدگی کند، ولی  
 اگر نماینده های نیامد معلوم میشود ۰۰۰ کارگری همچنان زده  
 فریاد میزند که: "نه خیر! ما اینجا آمدیم که به کارگران  
 نشان دهیم مجلس هم هیچ کاری برای ما نمیکند" بله رفیق  
 کارگر! چه خوب هدف از آمدن به جلوی مجلس را بیان کنی  
 بله، اگر ما بدلیل کمی آگاهی و تجربه برخی کارگران مجبور  
 شویم که به جلوی مجلس یا به نزد آیت الله طالقانی و ۰۰۰۰  
 برویم این رفتن ما نه برای گدائی، نه برای اینکه فکر میکنیم  
 اینها کاری برای ما صورت نخواهند داد بلکه بیایست برای  
 آگاه کردن کارگران ناآگاه، برای برداشتن ماسک از چهره  
 بورژوازی و دولت بورژوازی، برای افشای رژیم های رنگارنگ  
 سرمایه داری و از جمله رژیم جمهوری اسلامی و شناساندن ما -  
 هیئت ارتجاعی همه ارگانهای بورژوازی باشد و این را از همان  
 ابتدا نیز به شیوه مناسبی - بگوئیم "نمایند" کارگران میگوید:  
 "به اینجا آمدیم تا مشکلاتمان را به نمایندگان خود بگوئیم"  
 و کارگری جواب میدهد: "نه خیر ما به اینجا آمدیم که به کارگران  
 نشان دهیم ۰۰۰ چنین است نقش باز دارند به اصطلاح نمایندگان  
 گسان این چنینی."



دنباله در سماعی از ۰۰۰ از صفحه ۱۹

کارگر مبارز داده می‌دهد: "کارگران باید در فکر این باشند که با نیروی بیشتری به در مجلس بیایند." بسیار خوب رفیق کارگر! عالیست! باید به نیروی کارگران تکیه کرد (نیرو است که تکلیف مبارزه را تعیین می‌کند نه عیضه نویسی و رفتن به در مجلس یا خانه فلان آیت‌الله... در اینجا هم راه عمل کارگری در مقابل راه حل نمایندگان "این چنینی قرار میگیرد راه حل انقلابی در مقابل راه حل فرمیستی و لیبرالی.

اما این نیرو را برای چه کاری لازم داریم؟ آیا آنچنان که رفیق کارگران میگوید برای جلب توجه مجلس؟ نه خیر! ما می‌توانیم بایکد کما تکتان نیروی خود از حد جلب توجه مجلس فراتر روم و اراد مغفود را بر آن تحمیل کنیم برای اینکه نه تنها به بسیج صد هزار کارگر بپردازیم بلکه علاوه بر آن و مهمتر، به بسیج ۵۰۰ هزار کارگر شاغل نیز نیازمندیم. در چنین صورتی، دیگر خانم طالقانی نه تنها جرئت نخواهد کرد بگوید: "کارگران بیگانه‌ها هستند؟" بلکه حتی جرئت نخواهند کرد که مسما از اجرای خواسته‌هایمان سر باز بزنند. و حتی اگر چنین جرئتی می‌کنند چه بات! ما نیرو و اراده خود را بر او و نظامی که او نمایند ه آنست تحمیل خواهیم کرد: کارگران شاغل معیشت برادران و خواهران بیکار خود را تامین خواهند کرد. کارگران دایر سازی، دوا و فرزند آن مرضی کارگران بیکار خود را خواهند داد و کارگران شیر پاستوریزه کودک کرسنه خواهر خود را و کارگران بیدار از مبارزه کارگران شاغل علیه اخراج، بسته شدن کارخانه‌ها حمایت خواهند کرد و هر دو متفقا" حفاظت از ساختمانهای مبادره شده را بعهده خواهند گرفت... .

بله! ما به نیروی اتحاد و همبستگی و تشک خود، خواسته‌هایمان را از حلقوم بورژوازی بیرون خواهیم کشید.

کارگران یکساعت دیگر منتظر میشوند. آتایان "یزدی" و "سپاس" غیاب می‌آیند و جوابی را که باید بدهند میدهند. بنابرین نتواند. "بله راست می‌گویند! قبل از اینهم گفتیم مساله کارگران بیکار مساله آنها نیست و به آنها ربطی ندارد. مساله آنها پاره انداختن چرخهای از کار افتاده نظام سرمایه-داری است، مساله آنها سودسرایه و پر پول شدن جیب سرمایه داران است."

استاد رضا امضی‌مانی هم می‌آید و همین جواب را داد موشان می‌دهد که ترمی می‌گوید "مستضعفین، مستضعفتر و مستکبرین مستکبرتر شد مانند"! منظور چیست و چقدر دلش برای مستضعفین می‌سوزد! از آقای حجت الاسلام حجتی کرمانی هم خبری نمی‌شود.

کارگران ما هیت دولت و مجلس را در عمل تجربه کرده‌اند. باید فکر دیگری کرد. "اما این فکر چیست؟ ندای باز هم رفتن به جلوی نخست‌وزیری را مطرح میکنند! وای این همان سلاح رفه‌یستی قبلی است، که زنگزد کسی و کندای خود را در عمل نشان داد. است. هر سخنی که کارگران می‌گویند بیش از پیش خصلت باز آمدن کی نمایندگان را افشا میکند. کارگری می‌گوید: "معلوم میشود اینها نه نمایندگان مردم و نه نمایندگان ما هستند... من با راهپیمایی موافق هستم..."

چرا خجالت میکشی بگوش دختر طالقانی کاغذ را پاره کرده. اگر آنها میخواستند بدرد ما رسیدگی کنند کاغذ را گنیمیکر- دند، اینها بما اهمیت نمیدهند."

کارگرد بگری به پاسدارها اشاره میکند و میگوید: "اگر یک وقتی حکومت را بدست بگیریم میدانیم باشما چکار کنیم." آری کارگران هر روز بیشتر از پیش در می‌یابند که حکومتکونوسی، حکومتآنان نیست و نه در این حکومت و نه در هیچ حکومت سرمایه‌داری دیگری امکان بهبود اساسی وضعیت آنان وجود ندارد. و هر روز بیشتر از روز پیش ضرورت تشکیل حکومت خود را حس میکنند و این وظیفه کمونیستها را بر کارگران پیشرو و مبارز است که مفهوم درست حکومت آنان را برایشان توضیح دهند، و راههای رسیدن به این حکومت را بدانان بیاموزند. با آنچه راهپیمایی شروع میشود در حالیکه هنوز عدای از کارگران مُردند و کارگران آگاهانه با اقطاع آنها بلکه بسا صیانت و هل دادن آنها را وادارشان میکنند که به صف راهپیمایان بپیوندند. نتیجه این برخورد نادرست هم اینکسه پس از طی مسافتی تعداد راهپیمایان به ۵۰ نفر رسید. وظیفه کارگران آناه نه تحمیل نظر خود به کارگران ناآگاه بلکه ترویج و آناه کردن و اقطاع آنهاست. آنان همچنین باید به جنبش کارگرانی موازین یک حرکت د مرکزیت و تودهای را بیاموزند و اینکه حتی اگر آنها با حرکت مخالف باشند، می‌بایست از اکثریت تبعیت کنند.

شعارهای راهپیمایی به نسبت راهپیمایی قبل بسیار بهتر بود و شعارهای انحرافی، رنریستی، لیبرالی و تودم برانگیز که تر بچشم می‌خورد. "کار، ناه حق مسلم ماست" کار برای بیکار ایجاد باید کرد. "مجلسیان بداندند کارگران پیدا نمیشد، مجلسیان بداندند کارگران بیکارند" و از همه مهمتر "زن چسبه کرسنه صبر سرش نپوشد، سرمایه‌دار خونخوار حرف سرتر همیشه بجای شعار "زن و بچه کرسنه صبر سرش نپوشد، دولت انقلابی بداد ما برسد" که در راهپیمایی قبلی داده میشد. شعار دیگری نیز در جریان این تظاهرات جلب توجه میکرد و آن اینکه "مجلس اسلامی دعوا بر است عمل کنید!" تا فل از اینکسه فصل مجلس اسلامی چیزی جز فریب کارگران و زحمتکشان و سرکسوب مبارزات آنان نمیتوانند باشد و بهتر همانکسه مشغول دعواهای خود باشند. کارگران سپس شعار "درد ما درد شماست مردم بما ملحق شوید" را میدهند که عدای هم ملحق میشوند. یک زن با دو بچه، یک در ریفل، کارگران بیکار کنار خیابان و... برآستی "درد ما درد شماست" مبارزه علیه بیکاری مبارزهای است با خصلت تودهای و همه گیر نه میتوانند بخشهای وسیعی از تودهای کارگر و زحمتکش را که با عوارض ناشی از بیکاری درگیرند بخود جلب کند. پیوستن عدای به این تظاهرات هرات تنها بوسیله شعارهایی که کارگران برای جلب حمایت مردم میدادند میتوانند نمودنای باشد از ظرفیت فراوان تودهای شدن مبارزه علیه بیکاری و اینکه در صورت تبلیغ این مبارزه و احداث آن، تا چه حد میتوانند گسترش یابند و تودهای هر چه وسیعتری را بخود جلب و بسیج و متشکل کند.



## فراخوان بین المللی سندیک‌های سرخ به کارگران بیکار

۱۳۳۲

دنباله سر مقاله از صفحه ۱۸۰

شخص ما پاسخ دهند :

آیا تلاش در جهت ایجاد یک سازمان تودهای کارگری که حل مسأله بیکاری یعنی حل مسأله تامین معیشت کارگران و زحمتکشان بیکار را با انکاء به نیروی همه کارگران اعم از شاغل و بیکار در دستور خود قرار دهد، وظیفه خود میدانند یا خیر؟ از همین حالا بگوئیم که هیچکدام از شما نمیتوانید از پاسخ به این سؤال بدلیل روشن نبودن مضمون دقیق فعالیت این سازمان کارگری طفره بروید. اگر شما با ایجاد آن موافق هستید، آنرا اعلام کنید. در این صورت خود شما نیز باید فعالانه در تعیین مضمون حرکت، برنامه و شعارهای این سازمان تلاش کنید. ما منتظر پاسخیم. ♦

**علیه بیکاری را بخوانید  
و در تکثیر و پخش  
آن بکوشید**

شما اولین رنج کشیده های این مبارزه بودید و باید اولین کسانی باشید که دست بتعرض میزنند. و لیس فراموش نکنید که تمهیدات ضروری پیروزمیشود که صفوف خود را با سایر کارگران فشرده تر ساخته و از منافع تمامی طبقه کارگر دفاع نمائید. کارگرانی که هنوز بکار اشتغال دارند نباید تصور کنند که مسرتنوشت بیکاران در چارنمیشوند. مبارزه برادران بیکار باید مورد پشتیبانی کارگران قرار بگیرد و سندیک‌های سرخ باید همه اقدامات لازم را انجام دهند تا مبارزه بیکاران، زیرپرچم سندیکائی به پیش رود و ترکیب گردانهای رزمندگان، هم از کارگران بیکار و هم از کارگران شاغل تشکیل شود. ♦

نقل از کتاب "سندیکای سرخ"



## توضیح و تصحیح:

در گزارشی که از مبارزات کارگران شرکت ساختمانی "بوسار" در شماره دوم نشریه "علیه بیکاری" درج شده بود، اشتباهات و نقاداتی وجود داشت که با پژوهش از خوانندگان و نیز کارگران قسریان شرکت "بوسار"، بدینوسیله انتقادات و اشتباهات مذکور را تصحیح میکنیم:

الف - در گزارش مزبور، پایان تحصن کارگران بگوشه ای منعکس شده بود که گویا مبارزات کارگران بطور کامل شکست خورد. است و کارگران به هیچیک از خواستهای خود نرسیدند. این موضوع صحت نداشته و میبایست اضافه میشد که کارگران پس از ۳۷ روز تحصن، یاد ریافت دستمزد ۲۵ روز از اینعدت به تحصن خود پایان دادند، بعلاوه قول ارجاع یک پروژه به بزرگ ساختمانی به شرکت "بوسار" نیز به کارگران داده شد. مذاکرات مربوط به آن نیز آغاز گردید. این پروژه ساختمانی ظرفیت بکارگیری ۱۰ کارگر را دارد و تصمیم به برگزاری جلسات هفتگی کارگران و شورانیز منظور بیکاری این مسأله بد ریافت نیاز اقدامات ضروری را این مورد گرفته شد.

ب - در گزارش برخورد یکجانبه و ناد رستی باشیوه گروهانگیری

در مبارزه کارگران صورت گرفته و این شیوه از مبارزه بعنوان یکی از اشکال پیشرفته مبارزه تائید شده است. صرفنظر از ناد رستی از گروهانگیری برادر رمد برطامل شرکت "بوسار" (که فاقد امی کور و بدون سمت از طرف کارگران را نشان میدهد) خود شیوه گروهانگیری را بعنوان یک تاکتیک پرولتری مبارزه نیز نمیتوان مورد تائید قرار داد. توضیح بیشتر آنکه ما ضمن آنکه از مبارزه کارگران حمایت میکنیم، موظفیم تا با آگاهان همکاری و متشکل نمودن این مبارزه، با نقد شیوههای نادرست و عقب ماندگی که ممکن است کارگران در جریان مبارزه خود بکارگیرند و نشان دادن شیوههای درست و پرولتری مبارزه، در جهت ارتقاء این مبارزات بکوشیم، برخورد ما با شیوه گروهانگیری در مبارزه کارگران - بعنوان شیوههای عقب ماند و وابسته ای نیز جز این نمیتواند باشد.

ج - در صفحه ۱۲ ستون دوم پایین صفحه، خواست اول کارگران نامفهوم آورده شده است که به این ترتیب تصحیح می کنیم:

۱ - مبلغ ۵۰۰۰۰ ریالی عیدی بدو در نظر گرفتن تفاوت حقوقی، پس از اطلاع به دفتر تهران، به هر کارگر پرداخت و نتیجه را تا ۵۸/۱۲/۲۲ اعلام نمایند. ♦



دنباله مبارزه دلیبرانه کارگران ۰۰۰ از صفحه ۸

شخصی بنام طباطبائی را بکارگران معرفی میکند که او نیز کسار-گران را تهدید به اخراج مینماید. پس از این خفقان شدیدی بر کارخانه حکمفرما میشود و حتی فالانزهای کارخانه، با سلاح گرمی در کارخانه ظاهر میشوند. در چنین شرایطی کارگران به ناچار بزرگوار بازگشته اند اما این بهیچ وجه بمعنای پایان مبارزه کارگران نیست. مبارزه و مقاومت کارگران علیه تسطیحه ها و اقدامات ضد انقلابی رژیم جمهوری اسلامی ادامه دارد. هم-اکنون تولید کارخانه بمقدار بی سابقه خود رسیده و بیش از هشتاد درصد کارگران کمکاری میکنند. رژیم نیز قصد دارد با اخراج تعدادی دیگر از کارگران، اقدامات سرکوبگرانه خود را پیگیری نماید.

کارگران مبارز:

سلب حق اخراج کارگران از کارفرمایان و دولت یعنی لغو عملی ماده ۳۳ قانون کار سرمایه داران که تضمین کننده منافع سرمایه داران است، تنها از طریق مبارزه متحدانه کارگران کارخانه متوسط تشکیل مجمع عمومی کارگران امکان پذیر است طبیعی است که این امر با مقاومت دولت حامی سرمایه داران روبرو میشود. دولت سعی که برای تحمیل قانون سرکوبگر کارگران، ابزار سرکوبش یعنی پلیس و ارتش پاسداران و ژند آنها و ۰۰۰۰ را فراهم دارد و در مقابل با تمام هی کارگران آنرا بکار میکشد.

رژیم در مقابل با کارگران مبارز پوشش از هیچ کاری فروگذارد نکرد، و هجوم و تیراندازی پاسداران در کارخانه، اخراج بخش دیگری از کارگران مبارز، تحقیر و دستگیری کارگران مبارز و ۰۰۰۰ در آخر تهدید کارگران به اخراج و بیکاری برای سلب حمایت کارگران کارخانه از کارگران مبارز. اما کارگران قهرمان "پوشش" اشکال متنوع مبارزه را در هم آمیخته و در همه حال جوهر حیاتی مبارزه و مقاومت را زنده نگاه داشتند. کارگران قهرمان سینه های خرد را در مقابل گلوله های مسلسل پاسداران ستم و سرسرمایه نگاه داشته و فریاد برآوردند، "کارگر اخراجی آماده شهادت" و به همه نشان دادند که مبارزه بر علیه سرمایه و سرمایه دار تا چه اندازه کارگر را نیرومند میسازد تا حتی مرگ را نیز به تمسخر بگیرد. کسارگران مجمع عمومی را به دادگاه محاکمه "حیات پاکسازی" نمایند. رژیم تبدیل نمودند و به افشای عملکردهای وی پرداخته، سپس در حالیکه در ادامه مبارزه با فوج فوج پاسداران و مزدوران رژیم و خفقانی که بر سر حاکم نمود نبودند، بحمايت کارگران سایر کارخانه ها نیازمند بودند، با کمکاری بمقاومت و مبارزه خویش ادامه دادند.

آری تمامی کارگران با دولت و قانون سرکوبگر واحدی مواجهند و ابزار مبارزه ای متحد اتحاد و تنگنشان ندارند. پس برای ادامه مبارزه و مقابله با سرمایه داری و دولت حامیش راه نیست مگر اینکه مبارزات تمامی کارگرانی را که در کارخانه های مختلف بسا این مسائل درگیرند، در سازمانی توده ای و ریزنده، کسه بخش وسیعی از کارگران ایران را دربرگیرد، بهم پیوند داد. این سازمان برای تحمیل اراده خویش این بار نه تنها بر یک سرمایه دار، بلکه بر دولت حامی تمام کارفرمایان و نه تنها

برای محافظت از کار کارگران شاغل، بلکه برای تامین معیشت تمامی کارگران شاغل و بیکار مبارزه مینماید و بدینوسیله نیز اسلحه برای اخراج را از دست سرمایه داران و دولت حامی-شان در سرکوب مبارزات کارگران، خارج میکند. ♦

در صفحه ۸ ستون دوم سطر ۳۶ کلمه خائنه جافاده است

دنباله رد نظرات ۰۰۰ از صفحه ۱۲

بوسیله شرکت های بزرگ امپریالیستی و دولت های آنان سازمان داده شده و کنترل میشود. گویی همه چیز آمانه است تا کارگران بر جهان حکومت کنند. همه چیز آماده است که تولید و توزیع سوسیالیستی در سطح جهان سازمان داده شود. اگر کارگران جهان به پیروزی برسند، جهان را بعهد هخامنشیان برخواهند گرداند و سعی نخواهند کرد که هر تکه از جهان، مانند قلاع اسماعیلیه! خود کفایا شد آنها این ارتباط جهانی را با این تمرکز نسبی کنترل جهانی بسر تولید و توزیع را، این دستاورد بشر قرن بیستم را از بین نخواهند برد، بلکه آنرا در خدمت و برای رفع احتیاجات بشریت، و نه اقلیتی از آن، بکار خواهند انداختست.

این مسلم است که پیروزی کارگران در سراسر جهان همزمان و در یک لحظه بدست نخواهد آمد. محتمل ترین شکل اینست که در یک کشور کارگران به پیروزی برسند در حالیکه در سایر کشورها کارگران هنوز در بند ماندن باشند. اگر کارگران در کشور امپریالیستی مانند آمریکا قدرت برسد مسلماً برای قطع نیاز و وابستگی آمریکا از نفت ایران و عراق، الجزایر، و ژنوئلا و ۰۰۰ هیچ تلاشی نخواهند کرد. بلکه از قدرت و نفوذ مستقیم برای آزاد سازی "هموطنان نشان" یعنی کارگران این کشورها بهره خواهند گرفت. و از آن پس هم ارسال نفت از این سوی دنیا به آنسو، تا برقراری یک نظم نوین، ادامه خواهد یافت. پس "قطع وابستگی" اگر بتوان از آن بعنوان یک هدف نام برد، الزاماً هدف تمامی کارگران جهان نیست. هدف فوری ابدی و ازلی هم نیست. بلکه در یک موقعیت و در آن مشخص تاریخی یعنی زمانی که کارگران وزجه تنگشان در یک کشور تحت سلطه امپریالیسم قدرت رسیدن و برای حفظ موجودیت قدرت و ادامه مبارزه خود خواهان خود کفائی هر چه بیشتر هستند، میتوانند برای آنها یک هدف مقطعی بحساب آید. از اینسر و "قطع وابستگی" تا آنجا میتوانند به پیشبرد و پیروزی مبارزه طبقاً تی کارگران یاری رسانند برای ما اهمیت دارد. لذا از این بیحد هر کس از ما کارگران خواست که برای "قطع وابستگی ایران از خارج" و برای خود کفائی اقتصاد آن مبارزه کند کاری کنیم بیا میگوییم: بسیار خوب! ما اینکار را خواهیم کرد و از هم اکنون نیز تفکر آن هستیم. به همین خاطر است که میخواهیم ابتدا امپریالیست را از آن خود کنیم، تازه آنهم نه باین خاطر که امپریالیست سرمایه دار را یعنی فرسای صاحبان مرده را از ۹ قلم جنس خارجی بنیاز سازیم بلکه باین خاطر که قصد داریم مبارزات خود و "هموطنان" کارگران را، یعنی طبقه کارگر جهانی را به پیروزی برسانیم. ♦

ادامه دارد ۰۰۰



دنباله درسهایی از ۱۰۰۰ از صفحه ۲۰

و بالاخره شعار کاران شاغل، کارگران بیکار، اتحاد، اتحاد علیه بیکاری، شعاری که من بایست هر چه بیشتر و هر چه بیشتر و جمعتر در بین کارگران، ام از شاغل و بیکار - تبلیغ شود .  
در پایان راهپیمایی کارگران تصمیم میگیرند که در اداره کار - یابی شعار را جمع شده و راهپیمایی را همواره ادامه دهند . . .

اکنون مبارزه این بخش از نارگران کامهای مثنوی به پیش برداشته است، کارگران در جریان این مبارزه نمایندگان ساز - شتار خود، نمایندگان را که مشخصا به عامل بازدارندگی در مبارزه آنان تبدیل شده بودند پشت سر گذاشتند . از این پس و تبلیغ کارگران پیشرو و مبارزو نمایندگان واقعی کارگران است که در راس این مبارزات قرار گرفته و آن را هدایت کنند . پس به نماز و کسرتن و راهپیمایی ها یاری رسانند، چیت و شعارهای آنرا تعیین کنند، بر علیه شعارها و شیوه های نادرست مبارزه کنند و شیوهها و شعارهای درست را به جای آن بنشانند، آن را بجلوی کارخانجات و به محلات کارگران و زحمتکشان بکشانند . برای جلب حمایت کارگران شاغل و توده های وسیع کارگر و زحمتکشان از این تظاهرات و برای وحدت کارگران شاغل و بیکار زحمتکشان در کارگران شاغل به صف مبارزه علیه بیکاری بکوشند . باید کارگران در جریان این مبارزه بیاموزند که بجای مطالبه خواسته های خود از دولت، به نیروی خود، به اتحاد و تشکل خود و به مبارزه خود متکی شوند و اجزای خواسته های خود را به دولت سرمایه داری تحمیل کنند . باید شعارهای مبارزه علیه بیکاری را در هر کوی و برزن و در هر کارخانه و محل کارگری تبلیغ کرد و آن را به کوشش همه کارگران و زحمتکشان رساند و بسا مدای بلند بانگ بسرداشتند که :  
" زن و بچه گرسنه صبر سرش نمیشه  
دولت سرمایه دار حرف سرش نمیشه "

کارگران شاغل، کارگران بیکار، اتحاد، اتحاد، علیه بیکاری

دنباله مبارزه کارگران دلاور ۱۰۰۰ از صفحه ۲۴

اعلام کردند:  
۱- بازگفت کارگران اخراجی مبارز از جمله محمدزاده "صناعی" "فخری" و "تقی زاده صفا"  
۲- تشکیل خوراکی واقعی با انتخابات آزاد .  
۳- فعالیت خوراکی را مریا کمازی کارخانه .  
۴- ساعت کار رفته و دوروز تعطیل .  
در روز سه شنبه ۵۹/۵/۲۸ هیئت با کمازی همراهی با - ستار به کارخانه باز میگردد و با کمک "کانون فرهنگی و اسلامی" تراکتورسازی و نیز با تهدید و ارباب و استغاده از احساسات منفی کارگران بین آنها دوستی ایجاد میکند.

اکثریت کارگران خواستار بازگفت کارکنان انقلابی به کارخانه و تامین حقوق صنفی خود بودند و عده ای در حدود ۳۰۰ نفر هیات با کمازی را تا تئید میگردند .

استفاده از احساسات منفی کارگران بمنظور ایجاد تفرقه بین صفوف متحد کارگران از حربه های قدیمی و تقریبا همیشه موفق سرمایه داران بوده است . این حربه کثیف را تنها با تبلیغ مستمر در بین کارگران بهیچ بر مقدم بودن منافع مشترک کارگران در مقابل کارفرما یا ن ورژیمها - میتوان در تمام امور و دعوت کارگران به اتحاد و فدراسیون کردن حربه بیشتر صفوف خود در برابر سرمایه داران و دولت حامی آنان میتوان خنثی کرد .

در شب سه شنبه ۶ ما مورین کمیته مسلحا به خانه ها - های کارگران مبارز هجوم برده ۶ نفر را دستگیر میکنند . فردای آنروز صبح شایع شد که بین کارگران بخش میشود که در روحیه آنها تاثیر بدی، میگذازد و آنان را متزلزل میکند . برخی از این شایعات که عمدتا " از جانب هوا داران فدا - ثیان ( اکثریت ) منتشر میگردد بدین قرار است : " اگر امروز ( در این روز کارگران مبارز قصد اعتصاب بنمایند ) اعتبار ازش دستگیری دوستان دست به اعتصاب بزنند ) اعتصاب کنیم و ضربه خواهیم دید . بر کارخانه را خواهند بست . " اعتصاب همگامی با آمریکا است، عوامل بختیار میخواهند کارخانه را آتش بزنند . . . . "

بدین ترتیب با آموختن باسداران به کارخانه، ایجاد تفرقه بین کارگران توسط "کانون فرهنگی اسلامی" و هیات با کمازی و شایعتهای سازشکاران اعتصاب کارگران تراکتورسازی تنها با بدست آوردن يك وعده غنا ی گرم ( که آنها قبلا بود ) در این زمان به پایان میرسد . . . روز سه شنبه ۵۹/۶/۱ اساسی ۱۵ نفر از طرف هیات با کمازی اعلام میشود که جزء ۵ نفره بقیه از عناصر انقلابی و زحمتکشان بودند .

این تجربه بار دیگر به نشان مینماید چگونه خالی کردن سنگر مبارزه از جانب کارگران هرگز را قافله میسازد که نقشه های کثیف خوب را عملی سازد . کارگران مبارز باید با تقویت روحیه همبستگی و تشکل کردن صف متحد و یکپارچه خود در عرصه مبارزه سرمایه داران ورژیم - حامی آنان را وادار به عقب نشینی نموده و به منافع خود دست یابند .

نقل و تلخیص خبر از " بیکار " ارگان سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر









دنباله کارگران مبارز سیمان ۰۰۰ از صفحه ۲۶

و مقام یکبارجه کارگران وزحمتکشان روبرو میفوندند که -  
ری بجز عقب نشینی و فرار نخواهند داشت! کارگران که  
ننمان خود را فراری نداده بودند، در همان لحاظی صورت -  
جلسه و به اعمال ضد کارگری کارفرما اعتراض کرده و خواهان  
بازگشت کارگران اخراجی و اخراج سرمبندس میشوند. یکی  
از کارگران ه تلفنی ه جریان وقایع را به شورا ی کار -  
خانه صنایع فلزی اطلاع میدهد . جریبان این  
صحت تلفنی سوسیله بلندگو از کارگاهها ی سیمان -  
ره و اینها ی فلزی بخش میشود . کارگران این دو کارگاه -  
نه خمیغین از تعرض این مزدوران ه دست از کار کشید ه  
و آماج خود را برای راهپیمایی تا کارگاه سیمان ری  
و حساب از کارگران اعلام میکنند . اما شورا با این امر  
مناقت میکند و اعنای شورا خود ما ده حرکت پسوی کارگاه  
سیمان ری میشوند . آنها پس از شنیدن تماشای واقعه  
تعهد میکنند که خواهشهای کارگران را مبنی بر جلوگیری  
از اخراج کارگران و اخراج سرمبندس کارگاه پیگیری

کنند . کارگران کارخانه سیمان ری سوسیله جنبه -  
یت و پشتیبانی کارگران صنایع فلزی ( کارگاه ۱ و ۲ )  
مبارزه خود را همه جا نبه ترو وسیعتر نموده و قدرت ونیر -  
وی خویش را برای کسب خواسته ایشان افزایش میدهند .  
جلسه با شور و هیجان تمام پایان میگردد . کارگران  
از فرمای آنروز کار را شروع کرده اند . سرمبندس بسه  
به کارخانه می آید اما از اتانفر خارج نمیشود . آخر -  
بین خبرها حاکی است که متن شکایات کارگران به دستور  
لین مربوطه رسیده و شورا همچنین از مدیرعامل صنایع  
فلزی هم بخاطر حمایتش از سرمبندس کارگاه سیمان ری  
شکایت کرده است . ما موران حکومتی فعلا غیر از سکوت  
کار دیگری ننکرده اند و کارگران متحد و یکپارچه در انتظار  
بسر میبرند .  
مبارزه و مقامت کارگران دلیر کارخانه سیمان ری  
بار دیگر این امر را اثبات میکند که تا دویکیارچگی  
کارگران در طول مبارزاتشان تنها سلاحی است که سوسیله  
آن میتوانند سرمایه داران ورزیم حامی آنها را به زانو  
تراورده و ااراده خویش را به آنها تحمیل کنند .  
✽ نقل و تلخیص خبر از " پیک رزمندگان " ارگان سیا -  
سی - خبری سازمان رزمندگان آزادی طیفه کارگر

### انگیزه کارگران چیت ممتاز اخراج شده

- ۱ - نفراز کارگران مبارز صنایع چو کا اخراج شدند .
- ۲ - تعدادی از کارگران ممتاز ایران تا سیوتال مشهد اخراج شدند .
- ۳ - تعدادی از کارگران آگاه و مبارز تراکتور سازی و ماشین سازی تبریز اخراج شدند .
- ۴ - تعداد زیادی از کارگران مبارز کارخانه های شیر صنعتی قزوین اخراج شدند .
- ۵ - نفر کارگر مبارز کارخانه فومن شیمی اخراج شدند .
- ۶ - حسن با بادی کارگر مبارز فاس سترویلبر کربیمی - جاری نما بنده کارگران ساکا و کربیمیان نما بنده کارگران کشف کار در زندان اند . رژیم جمهوری اسلامی در این یکسال ونیم خدمات زیادی برای سرمایه داران انجام داده است :
- ۱ - نیروی ویژه را برای جاسوسی و شناسایی کارگران مبارزه کارخانه ها فرستاد .
- ۲ - عنا مرشد کارگر و عوام سرمایه دار که بهمت یکبارچگی و مبارزه کارگران اخراج شده بودند یک کمیته چی ها و پاسداران به سرکار خود برگشتند ( مثل اکبری ، کاشانی - موجودی و معمولی درجهت ممتاز )
- ۳ - آشین نامه انبساطی برای تمام کارخانجات تهیه شد تا هر نوع اعتراض و مبارزه را بعنوان عمل خرابکاری و ضد انقلابی واخلالگری سرکوب کنند .
- ۴ - سوه ویژه وعیدی کارگران را کم کرد زیرا بقول وزیرتارا اینها غوغوی بود
- ۵ - قانون کار آریا مهر را اجرا میکند و هر نوع خواستی که کارگران در اثر مبارزه خود بدست آورده اند غیر قانونی اعلام میکند
- ۶ - قانون تشکیل شوراها را تصویب میکند تا وزارت کار برای کارگران شورا تشکیل دهد و سندیکاه های آریا مهری را این بار با سم شورا زنده کند
- ۷ - مداخله خرید اسلحه برای سرکوب کارگران وزحمتکشان وبخصوص خلق کردیه مالیات دستمزدها و حقوق ها اضافه میکند و کشیدن عوارض مالیات روی اجناس آنها را گرانتر میکند .

رژیم جمهوری اسلامی ضد کار و ضد رنجش است - رژیم جمهوری اسلامی حکومت سرمایه داران است  
برای اینکه جلوی اعمال ضد انقلابی و ضد کارگری این رژیم را بگیریم ، باید متحد و یکپارچه باشیم  
و از اخراج کارگران مبارز جلوگیری کنیم .

جمعی از کارگران مبارز چیت ممتاز

۵۹/۵/۱۹



## مبارزه کارگران دلاور تراکتور سازی تبریز\*

## کارگران مبارز سیمان ری میبرزمانند\*

روز سه شنبه ۲۱ مرداد دو تکیه کارگران به کارخانه مابا - بندبا اطلاعیه ای از طرف کارفرما مبنی بر اینکه از این پس به بعد باید هفته ای ۴۴ ساعت و ۶ روز هفته بدون ناهار کار کنند و همچنین شوراها منحل و مرخصی سالانه کمتر از مالیهایی قبلی میباشد و ..... رو بر میگویند با دیدن این اعلامیه خدکارگری اعتراض کارگران آغاز میشود و در پی پیشنهاد کارگران مبارز کارخانه حدود سیصد نفر از کارگران دستاز کار میکنند و در قسمت اناری اجتماع میکنند آنها شعار میدادند " الیوم هفته ده قرخ ساعت (کار هفته ای چهل ساعت) " " کارگر بیرا ولسون ما آمریکا نابودا ولسون (کارگران متحشونند آمریکا نابودا) " " کارگر بیرا ولسون بنجشنبه تعطیل ولسون (کارگران متحشوننده پنجشنبه تعطیل یسه) " پس از مدتی شعار دادن و صفی مدیرعامل جدید که از طرف سازمان گسترش و توسعه صنایع ممرنسی شده است برای پاسخ به کارگران ترجمه آنان حاضر می شود در این هنگام کارگران که تعدادشان به یانصد نفر میرسد تصمیم میگیرند بعلمت کمی جاسالین به میدان قیام محوطه کارخانه بروند کارگران بای کوبان درحالیکه نماز بروررا تکرار میکردند بطرف میدان قیام قیام براه میافتند در راه دسته های دیگری از کارگران به صف آنها میپیوندند و جمعیت حدود ۷۰۰ نفر میشود. نراین اجتماع چندتن از کارگران صحبت کرده و نسبت به اخراج نمایندگان - انحلال شورا - صحبت کرده و خواستار تدوین قانون کار با محوریت نمایندگان واقعی کارگران میشوند. نریا بیان سخنگوی کارگران خواستهای برحق کارگران را اعلام میکنند:

- ۱- کارگران قانونی را که از یالابوسیله عشا سر خدکارگری دیکته و تصویب شده با عدد نخواهند پذیرفت خود کارگران باید در تدوین و تهیه قانون کار شرکت داشته باشند.
- ۲- افرادی که توسط هیات باسازی اخراج شده اند با بجزرمان نزد کارگران ثابت خود باید اخراج شوند.
- ۳- کارها بجمعه های ۴۰ ساعت و پنجشنبه تعطیل باشد.
- ۴- ما خواهان تشکیل شوری کارخانه هستیم البته نه شوری فرما بشی و دولتی بلکه شوری واقعی کارگری درخانه که کارگران تاروزشنبه ۲۵ مرداد به مدیرعامل

۲۴ ←

کارگران کارگاه سیمان ری (یکی از کارگاههای صنایع فلزی ایران) بعد از مرخصی سالانه و بازگشت به سرکار متوجه میشوند که دستور مدیرعامل صنایع فلزی (ملک محمدی) و همکاری سرمهندس کارگاه سیمان ری (مهندس منتظر) حکم اخراج ۵ نفر از کارگران صادر شده است. این عمل موجب برانگیختن خشم کارگران گشته و آنها با همکاری شوری کارخانه بر علیه این اقدام خدکارگری به مبارزه برمیخیزند. کارفرما دست به دادن " شوری باسازی" لازم میکند تا "خبر" کارگران را از سرکار فرما کم نماید. کارگران به این عمل اعتراض میکنند و از کارفرما میخواهند که با شوری آنها صحبت کند. اما او میگوید: " با بحثنامه اخبر دولت تمام شوراها - بقول بنی صدر - مالیده اند! " شورا که از حمایت کلیه کارگران کارخانه برخوردار بوده خونریزانه اقدام به بازگرداندن کارگران اخراجی بسرکار نموده و بدین وسیله اراده کارگران را بر کارفرما تحمیل میکند. (حمایت و پشتیبانی کارگران کارخانه از شورا بژنده ترین صلاح برای پیشبرد امور مبارزه کارگران و اعمال اراده چهره نشان خود پیش میباشد.)

فرمای آتروز (۲۷ مرداد) مهندس کارگاه طی اطلاعیه ای از کارگران اخراجی میخواهد که هر چه زودتر با مراجعه به مدیرعامل صنایع فلزی تکلیف خود را روشن کنند. درمقابل کارگران عریضا در تالی شورا و بر علیه کارفرما مینویسند و آنرا "مقا" می نامند و برای گرفتن نتیجه نریاها خوری جمع شده و دنباله مهندس کارگاه می ترسند مهندس ابتدا کمیته را خبر میکند و آنها را پشت در تاهار خوری نگه میدارد و خود وارد تاهار خوری شده و شروع میکند به آرامی صحبت کردن که ناگهان حرفهای او با غرغش رسد آسای یکی از کارگران اخراجی قطع گفته و کارگر مزبور با سخنرانی پر شور و آتش خشم کارگران را عمله و تر میسازد. سرمهندس ترسان از مهلکه فرار میکند و یک یا سار بجای خود به داخل تاهار خوری میفرستد. یکی از کارگران اخراجی با ورود به سار سینه اش را در مقابل او سپر میکند و میگوید " آری من ضنا نقلایم و از گلوله های شما هم ترسی ندارم " سار خود را میبازد و سرعت میگیرد. آنجا که سرمایه داران ورزیم حامی آنها با ایستادگی

۲۵ ←

# کارگران جهان متحد شوید!